

بنابراین بنده معتقدم که این مسئله مقدم باشد.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیش نهاد آقای آقا میرزا شهاب آقایی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب شد - لایحه اش حاضر نیست یک قدری تأمل فرمایند تا حاضر شود

(پس از چند ثانیه لایحه مزبور حاضر شد)

**نایب رئیس** - خبر کمیسیون بودجه راجع به ماده واحده که آقای میرزا شهاب پیش نهاد کردند قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است چهار صد گز مربع اراضی جنب خندق شهر کرمان را که حاج علی اکبر (مروج الصنایع) در روی آن دکا کین ساخته است برای ترویج باستان و گذار نماید

**نایب رئیس** - آقای کازرونی **کازرونی** - بعد از یک مخالف مرض می کنم

**نایب رئیس** - آقای ارباب کبیسرو (اجازه)

**ارباب کبیسرو** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای ضیاء **ضیاء** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای داور (اجازه)

**داور** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - بنده با آن کلمه هروج الصنایع مخالفم

**نایب رئیس** - آن کلمه در بین الهالین نوشته شده مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بماده واحده باورده آقایان موافقین ورقه سفید و الاورده کبود خواهند داد

(اغذ واستخراج آراء و عمل آمده و نتیجه بطریق ذیل حاصل شد)

ورقه سفید ۷۴ آقاییان - حسین خان بیرنیا - میرزا حسن خان بیرنیا - ابوالحسن بیرنیا - دیوانبیکری - صبر انقلاب - آقا شیخ هادی یزدی - آقا رضا مهدوی - حاج میرزا اسدالله خان کردستانی - میرزا حبیب الله خان شادلو - فتح الله میرزا محمد هاشم میرزا - میرزا محمود خان وحید - حاج میرزا عبدالوهاب - محمد خان معظمی - ارباب کبیسرو - لطف الله خان لبقوایی - میرزا جواد خان - سید الله خان یاسائی - آقا سید علاء الدین - میرزا حسینخان دادگر - سلیمان میرزا دست غیب - دکتر امیر خان امام - حاج میرزا علی رضا - آقا شیخ عبدالرحمن - محمدولی خان اسدی - شریعت زاده - میرزا زاید الله خان - دکتر حسین خان بهرامی

صدرائی - کازرونی - اخگر - میرزا

میرزا سید محمد زاهدی - اسمعیل خان - قشقای - الوئی - میرزا شهاب - ناصر ندامتی - آقا شیخ جلال - دولت آبادی - محمدولی - میرزا - دکتر محمد خان مصدق - میرزا یوسف خان هتل - طباطبائی دیبا - دکتر ضیائی - همام - آقا سید کاظم یزدی - علانی - تقی زاده

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

**نایب رئیس** مجلس شورای ملی سید محمد تدین منشی علی خطیبی منشی م شهاب

**جلسه ۳۱**

صورت مشروح مجلس عصر پنجشنبه هفتم آبان ماه هزار و سیصد و چهار مطابق یازدهم ربیع الثانی ۱۳۴۴

مجلس مقارن غروب پرریاست آقای تدین نایب رئیس تشکیل گردید (صورت مجلس سه شنبه پنجم آبان آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

**نایب رئیس** - آقای اخگر (اجازه)

**اخگر** - بنده راجع بدستور عرض دارم **نایب رئیس** - آقای یاسائی (اجازه)

**یاسائی** - بنده قبل از دستور عرض دارم

**نایب رئیس** - آقای وحیدی (اجازه)

**وحیدی** - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

**نایب رئیس** - آقای دامغانی (اجازه)

**دامغانی** - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

**نایب رئیس** - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - بنده در صورت مجلس نمی توانم صحبت کنم زیرا گمان نمی کنم اکثریت باشد - اگر اجازه می فرمائید عرضم را عرض کنم

**نایب رئیس** - آقای نجات (اجازه)

**نجات** - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

**ولی** فعلا راجع بدستور مجلس عرض دارم که اگر اجازه میفرمائید عرض کنم

**نایب رئیس** - بفرمائید

**نجات** - در جلسه گذشته راجع بتغلفی که در بعضی مواد نظامنامه از طرف کمیسیون عریض بعمل آمده بود بنده اظهاراتی کردم در صورت مجلس نوشته نشده است

**نایب رئیس** - در صورت مشروح نوشته شده است - آقای ملک (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور عرض دارم

**نایب رئیس** - آقای بهار (اجازه)

**بهار** - قبل از دستور

**نایب رئیس** - آقای صدری (اجازه)

**حاج سید عبدالحمید صدر** - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

**نایب رئیس** - آقای سهراب زاده (اجازه)

**سهراب زاده** - قبل از دستور عرض دارم

**نایب رئیس** - موافقم

رایج به صورت مجلس فرمایش داشتند: آقا سید یعقوب - فعلا عرضی ندارم

**نایب رئیس** - صورت مجلس اعتراضی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

**نایب رئیس** - صورت مجلس تصویب شد

چند فقره پیشنهاد به امضای چند نفر از آقایان راجع بدستور رسیده است و سیزده نفر از آقایان هم اجازه خواسته اند

**داور** - خوبست پیشنهاد های راجع بدستور خوانده شود

**نایب رئیس** - پیشنهادی است راجع بدستور قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا داریم قرائت تلگرافات واصله از ایالات و ولایات در این جلسه در درجه اول جزء دستور شد و تکلیف قطعی مأموم گردد

عبدالله یاسائی - علی رضا العسینی - دست غیب - کی استوان - حیدرقلی حشمتی - دکتر امیر اخگر

**نایب رئیس** - راپرتی از کمیسیون عریض در این باب رسیده قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

از اواسط مهرماه تا امروز تلگرافات هدیده از طرف وجوه اکابر و مشاهیر و کمیسیون معتدل نهضت ملی آذربایجان و طبقات مختلفه و همچنین از ایالات و ولایات که ذیل شرح داده شده تبریز - کرمان - مشهد - تربت - شیراز - درجز - وشت - قزوین - معمره - بجنورد - کردستان - بازرگوش - ساری - و بیرجند و غیره بمجلس مقدس شورای ملی شده دال بر عزم رضایت از سلطنت قاجاریه و تغییر سلطنت از این سلسله و تعیین تکلیف از مقام مقدس مجلس شورای ملی - کمیسیون در جناسات هدیده تلگرافات فوق الذکر را تحت مذاقه گذارده و بالاخره تصویب می نماید که راپرت قضیه را بضمیمه تلگرافات مذکوره تقدیم مجلس شورای ملی نماید که هر طور مقتضی و صلاح است تعیین تکلیف وجواب

**تلگرافات مزبوره صادر شود** - رئیس کمیسیون حسن ملک

**نایب رئیس** - آقای داور (اجازه)

**داور** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای سهراب زاده (اجازه)

**سهراب زاده** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای افشار (اجازه)

**افشار** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای طهرانی (اجازه)

**طهرانی** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای دکتر آقاییان (اجازه)

**دکتر آقاییان** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای دست غیب (اجازه)

**دست غیب** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای دامغانی (اجازه)

**دامغانی** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای یاسائی (اجازه)

**یاسائی** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای شریعت زاده (اجازه)

**شریعت زاده** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای صدری (اجازه)

**صدری** - موافقم

**نایب رئیس** - آقای سلطانی (اجازه)

**سلطانی** - موافقم

**نایب رئیس** - مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)

**نایب رئیس** - تصور میکنم خلاصه این تلگرافات همان است که در راپورت کمیسیون عریض بمجلس رسیده است و این تلگرافات زیاد است اگر بنا باشد تماش قرائت شود تصور میکنم وقت زیادی را اشغال کند اگر آقایان راه حلی بنظرشان میرسد ممکن است پیشنهاد بفرمایند مندرک اگر میفرمائید قرائت شود: آقای افشار (اجازه)

**افشار** - بنده نظرم این است همانطور که فرمودند خلاصه تلگرافات را کمیسیون عریض تعیین کرده است و بعرض آقایان هم رسیده و ممکن است تلگرافات واحده را بگذارند در اطاق تنفس هر يك از آقایان میل دارند مراجعه فرمایند و از مضمون آن مطلع شوند

**نایب رئیس** - آقای یاسائی (اجازه)

**یاسائی** - چون آقای نایب رئیس فرمودند موارد اصل قضیه و راه حل آن بشویم اینست که بنده نسبت به هم خودم عقیده خودم را اینچاه عرض میکنم

باخذن تمام مقدمات ما عاجل التاواقیم در برابر یک رضیعت بحران آمیزی که قابل تردید و تشکیک نیست

آذربایجانهای حساس بالخصوص و آزادبخواهان سایر ولایات يك صدها و نژادهائی دارند که بگوش ماها و اهالی مرکز عموما رسیده است و از مضمون تلگرافات بوسله اوراق مطبوعه در این شهر مسبوق شده اند و محتاج بخواندن و قرائت در مجلس نیست

فقط چیزی که مورد توجه و نظر است اینست که مجلس شورای ملی برای این قضیه منظومه يك راه حلی در نظر بگیرد چون گفته میشود که اختیارات ما محدود است

**بعرض** از نمایندگان - کسی چنین چیزی نگفته است

**یاسائی** - شاید در خارج گفته شود و همین نظر اگر خاطر آقایان نمایندگان محترم باشد بنده در حوت ۱۳۰۳ در موقع شور در قانون انتخابات ماده العاقبه پیشنهاد کردم که ما اجازه بدهیم ملت در موقع انتخابات دوره ششم بکلاء دوره شش اختیار بدهند که در قانون اساسی در آن موادی که لازم است تجدید نظری بعمل بیارند

ولی وضعیات فعلی بنده را از این عقیده قلمناصرف کرده است زیرا اگر ما بخواهیم بگوئیم کلاهی دوره ششم بیاید و این اختیار را از ملت بگیرند و وارد در این مرحله شوند شاید خانه باین وضعیات داده نشود و موجب رضایت ملت فراهم نگردد - تحمل نکنند

بوی صبری و بی حوصله گی کنند آنوقت يك حوادث و خطرانی برای مملکت پیش بیاید

باین نظر بنده عقیده دارم که مجلس شورای ملی تلگرافات از ملت استعلام کند که از نقاط مهمه مملکت يك همچو شکایاتی از سلطنت قاجاریه دارند ملت هم اگر میل دارد و بما اختیار بدهد ما هم تجدید نظر میکنیم در مواد ۳۶ و ۳۷ و سایر مواد متعلقه بحق سلطنت آنچه که مقتضی است بعمل بیاریم

زیرا ماده ۳۰ قانون اساسی می گوید: سلطنت و دین است که بوهیت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده

این ماده میرساند که ملت میدهد و ملت میگیرد - ملت سلطنت را بشخص بمنوان ودیعه اعطا میکند

اگر سوءظن پیدا کرد که آن شخص

که ودیعه یا وسیره شده است نمی تواند از همده حفظ آن ودیعه برآید آن ودیعه را استرداد میکنند

در هر صورت ملت میتواند اینکار را بکند و وقتیکه ملت بما گفت شما مختارید از جانب ما تجدید نظر بکنید در قانون اساسی و مخصوصا راجع به سلطنت و تبدیل و انتقال مآذوقه وارد می شویم و بهر طور که مقتضی است رفتار خواهند شد

این عقیده بنده است و ممکن است در ظرف چند روز صورت بگیرد - مردم ناراضی هستند از سلسله قاجاریه و البته از سلسله قاجاریه يك شاهزاده گان محترم بر طرفت هم در داخل مجلس و خارج مجلس هست و البته آنها مورد نظر نیستند

وقتیکه ما قاجاریه میگوئیم نظرم آنست که بنده تصور میکنم که ملت در ظرف چند روز بجای این تمراضی که ما میکنند بر بطور اعتراضی که به مجلس شورای ملی میکنند و شکایاتی که از نمایندگان دارند بطور عموما کلی بجای این تعرضات این اختیار را بدهند

بنده مراجعه میکنم بجزوه انتخابیه خودم اگر موکلین بنده اجازه دادند بنده می آیم اینجا و اقداماتی که مقتضی است میکنم

در مملکت ما هم برای اولین دفعه این طور رفتارند ضرری ندارد - ملت را آشنا میکنیم - و فراموش در آن سه دوره ششم يك قانونی برای فراموش بنویسند که يك صورت مشروع تر و بهتری پیدا کند

در هر صورت بعقیده بنده در همین دوره باید این اقدام را بکنیم و این مراجعه هم بطور متجدد اعمال از طرف مقام ریاست به تمام ولایات و ایالات می شود که اشخاصی که ناراضی و شاکی هستند این اجازه و اختیار را بمجلس شورای ملی بدهند و ما با آن اختیار اجازه وارد در حل قضیه بشویم اینست عقیده بنده

**نایب رئیس** - آقای داور (اجازه)

**داور** - متأسفانه موضوع طوری طرح نشده است که بشود بطور کلی علیه درش صحبت کرد برای این که بطور کلی يك وضعیاتی پیش آمده که باید راجع باین رضیعت فکری کرد

گمان می کنم که بطور کلی هیچ کسی نباشد که اظهار مخالفتی در کلیات این قضیه بکند و متعلق هم داشته باشد

پس برای اینکه نظر ما زیاد و کم معلوم شود باید از اینک چند نفری اظهار عقیده بهمین شکل کلی کردند و وارد در حل قضیه بشویم بنده هم ناچار بهمین صورت عرض کنم

بطوریکه آقایان خاطرشان هست قبل از ظهر در جلسه خصوصی هم بنده تذکر دادم بزمیخواهم تذکر بدهم و خاطر آقایان را بطرف این مسئله جلب کنم که يك بخرانی از دو سال قبل تقریبا در این مملکت شروع شده است و يك تلگرافاتی بمجلس رسیده و کشمکشهای شد و جماعتی آمدند و رفتند و اینها يك چیز هائیکه در خاطر همه ما هست

در آن موقع آنچه که بنده اطلاع دارم و بطارقم هست همدای از آقایان نمایندگان می گفتند که باید سعی کرد و حالا که قضیه به اینجا رسیده است يك طریق حلی برایش پیدا کرد و ممکن است مجلس بيك موادی رأی بدهد و آراء عموما را تقاضا کند و از برای خودش كسب حق و كسب اجازه کند و ببیند که دارای حق تجدید نظر در فلان مواد قانون اساسی هست یا نه؟ و در صورتی که دارای اکثریتی شد راجع باین موضوع آنوقت ششبنه و قضیه راحل کنید و الا صورت دیگرش دارای يك اشکالاتی هست ولی همین مسئله بواسطه يك پیش آمدهائی که بنده نمیخواهم داخل در جزئیات آن بشوم کم کم بتدریج یا به بطوریکه در مملکت مامولست که زمان يك اثر خاصی دارد و بتدریج يك قضیاتی را از بین میبرد اصل این قضیه هم از پیشرفت

پس از چندی يك مذاکراتی بيك شکل دیگری پیش آمد و همان اوقات بود که يك ماده واحده هم از مجلس گذشت و از دوسه هفته گذشته قبل تا بحال يك تلگرافاتی باز شبیه به آن تلگرافات اول بایک تیرات مختصر که آنوقت صحبت غالب بلکه میتوان گفت همه تلگرافات راجع بجهودیت بود

ولی ایندفعه صحبت از آن قضیه نیست و صحبت در مخالفت و ضدیت با خانواده ای است که در ایران سلطنت می کنند و مردم هم گمراه از این قضیه اطلاع دارند ما هم تمامان مبرقیم که تلگرافاتی آمده و اشخاصی در تلگرافخانه تبریز متعصب هستند و به مرکز مخابراتی می شود

نمایندگان آذربایجان و گاهی سایر نمایندگان را بتکرار اغراض می کنند و کم کم يك کارهائی می شود که آن کارها (بنده میخواهم يك کلمه بگویم که شاید در درجه اول يك قدری زننده باشد گفتن همین کلمه) برای مملکت مضر است که گفته شود میخواهند يك قسمت از ادارات دولتی را تصرف کنند یا تصرف کردند

بنده گمان میکنم که و کلاه دیگر حق ندارند بشینند و با خون سردی و بیامانت مشرق زمینی خودمانی خودمان قضیه را نگاه کنند



تلاکرافات متعدد از آذربایجان رسیده است کلانم دانستم به آقایان عرض کنم که این مسئله عادی هم نیست و این شکل هم نیست که بفرماید تلقی شود اقدامات آذربایجان یک اقدامات معنوی است و از روی یک حقیقتی است که محرک آنها شده و آنها اقدام کرده اند و اگر بخواهیم بخون سردی این مسائل را تلقی کنیم شاید موجب پشیمانی از برای تمام افراد این مملکت باشد.

لهدا تقاضا می کنم که مجلس بهیچ وجه داخل هیچ موضوعی از موضوعات نشود مگر اینکه این موضوع را خاتمه دهد و تکلیف آذربایجانی ها را معلوم کند.

نایب رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - اولاً باینکه محتاج بقسم نمیدانم عریض خودم را ولی باز این طور عرض میکنم که خدا میداند بی غرضانه و از روی یک احساسی که بعقیده خودم باک است این راه عرض میکنم.

در اینکه این مکررات را نباید عرض کرد و در اینکه یک نگرانیها و یک بعراضاتی در مجلس هست نه تنها کلاه و مجلس تصدیق دارند بلکه عموم مردم این نگرانی ها و بعراضات را تصدیق دارند یعنی یک چیزی نیست که مغفی و پوشیده باشد و محتاج بپنهان و پنهان باشد این بعراضاتی را در مملکت همه مردم حس میکنند.

آقایان فرمایشاتی فرمودند و اگر بنده بخواهم مجدداً آنها را عرض کنم یک تکراری است که شده علی ای حال یک نگرانیهایی از دو سال این طرف یا پنج ماه یا شش ماه تا اکنون در مملکت پیدا شده و اگر بخواهم با عریضی در این خصوص عرض کنم این قسمت هم مکررات می شود حالاً می خواهم ببینم آیا مجلس حق دارد که داخل در این بحران و نگرانی بشود یا نه؟ بنده و گمان میکنم همه آقایان تصدیق دارند که مجلس شورای ملی صلاحیت دارد برای اینکه بحران و نگرانی که در مملکت تولید و ایجاد شد داخل در آن موضوع بشود و نمی تواند کسی بگوید که مجلس شورای ملی صلاحیت ندارد یا اینکه مظهر افکار ملت است و یا اینکه مظهر افکار ملت است داخل در آن قضیه بشود.

برای اینکه هر نگرانی کوچکتر و نگرانی بزرگتر و هر بحران و نگرانی که در مملکت پیدا شود کسی که مظهر افکار ملت است صلاحیت دارد داخل در آن موضوعات بشود و این موضوع هم مسلم است و گمان میکنم آقای ملک الشاه پناه

هم تصدیق فرمودند که باید مجلس داخل در این موضوع نگرانی و بحران بشود بنده عقیده ام این است که مجلس باید زود داخل در این بحران بشود برای اینکه مظهر افکار مملکت و هر چه در برشود دامنه این بحران و نگرانی وسیع تر می شود و چنانچه بعضی از آقایان اشاره کردند شاید میرسد بجائی که نمیشود جلو گیری کرد یا جلو گیری آن سخت است پس حالا که ممکن است یک تریبی مجلس جلو گیری کند از قضیه البته بهتر است اینها مطالب مسلمی است که گمان نمیکنم یک نفر از آقایان مخالف با این مطلب باشند و یک مطلب دیگر این است که یک حالت تردید و بلاتکلیفی در مملکت ایجاد شده و همه آقایان این مسئله را تصدیق میکنند که این حالت بلاتکلیفی و تردید و بلاتکلیفی بنده در پیش این تریبون هستم در این مملکت موجود است.

آیا باین حالت بلاتکلیفی باید خاتمه داد یا خیر؟ البته باین حالت مجلس شورای ملی باید خاتمه بدهد.

گفتگو بر سر این کلمه شده بنده هم قانون اساسی را مقدس میدانم.

قانون اساسی را بنده هم می گویم معتز است بلکه همه آقایان و کلاه وتوده هم میگویند معتز است چرا قانون اساسی محترم شده؟

برای اینکه قانون اساسی را این ملت تصویب کرده یا اینکه ملت اجازه داده است بیک همه که این قانون را وضع کنند که قانون اساسی مملکت و قانون استقلال مملکت باشد و بالاخره قانونی باشد که اساس قانونها روی آن باشد.

حالا برویم بر سر اینکه آیا ملت با اینکه خودش این قانون را وضع کرده میتواند بعضی از موادش را نسخ کند یا نه؟ البته میتواند مثل اینکه مجلس دوره سوم و یا مجلس دوره چهارم یک قانونی وضع میکند خودش یا مجلس دیگر البته میتواند آن قانون را لغو کند.

پس قانون اساسی که محترم است برای اینکه که ملت خودش وضع کرد و همان ملت هم میتواند نسخ کند این اعلامیههایی است که در دست بنده است این اعلامیههایی است که (قطع نظر از اینکه بنده و کبیل بنده عباس باو کبیل فارم وقتی که اعتبار نامه تصویب شد و کبیل ایران) موکلین ما اینطور میگویند آذربایجان تلگراف میکند که قصد و مقصود من اینست که این اعلامیه ستون اولش نوشته است و ستون دومش تمام امضاء تجار مرا گراست که بنده نمی خواهم اسمی آنها را بخواهم برای اینکه همه آقایان خواندند و بنده و سایر آقایان هم کاملاً آنها را می شناسیم.

این اعلامیه تجار ایران است که نوشته اند و در ستون دیگرش امضاء کرده اند.

این مردم وقتی که بگویند شما که مظهر افکار مملکت و شما که مظهر افکار ما هستید و کلاهی مجلس شورای ملی هستید ما این چیز را میخواهیم آیا میتوانیم یک حرفی بزنیم که خدای ناخواسته بر خلاف رضای ملت باشد این ملت است حرف میزند.

بنده از روی این امضاء حرف می زنم امضاء مال آذربایجانست و کلاهی آذربایجان حاضرند میدانند امضاء مال فارس است و کلاه رشت میدانند امضاء مال مرکز است این مردم این تقاضا را دارند اگر ما و کبیل این مردم این مقصود خودشان را علنی و آشکار می گویند.

بنده گمان نمیکنم در میان این تجاری را که بنده اسمایشان را میخواهم از اول تا آخر یک نفر مناقش تویش باشد که بگوید غیر من امضاء نکرده ام.

اینکه سفی نبوده عاقل بوده است لابد از روی میل امضاء کرده و از روی اراده و دلخواه این حرف ها را زده من هم از روی افکار این ها حرف میزنم پس من نمی توانم از روی افکار این ملت حرف بزنم.

شوشتری - امضاء ها را بخوایند دست غیب - امضاء را همه آقایان خوانده اند و دیده اند دیگر گمان نمیکنم لازم بخوانند باشد در اینجا فقط یک کلمه خوشبختانه باید بخوانند گفته شد که حق ندارند.

بنده عرض میکنم حق دارند آقای ملک الشعراء بیک عبارت تندتری فرمودند حق ندارند اعتراض کنند بنده عرض می کنم حق دارند اعتراض کنند برای خاطر اینکه بگویند مظهر افکار من نگرانی تو که مظهر افکار منی چرا تکلیف مرا معین نمیکنی.

برای خاطر اینکه همانطور که آقای آقا سید یعقوب صبح در جلسه خصوصی فرمودند ملت نگرانیست و تمام بطوری که آقایان فرمودند رفته اند متعین شده اند و آنطور هم نیست که ما بتوانیم نایب رئیس را برای اینکه مثلاً بنده میتوانم اساساً نایب و بگویم مرا غایب بی اجازه بتویس دیگر چه حرف داری بامن ولی تصدیق را ببینم و بروم و پشت سرش ملت اعتراض کند بمن و بگوید توهن مظهر افکار من هستی چرا بخونسردی این نگرانی ها را تلقی میکنی یا چرا جواب مارا نمیده و این نگرانی ها را دفع نمیکنی؟

چرا بحرف نمی رسی؟ چرا نمی گوئی مقصودتان آنچه هست انجام می دهیم؟

پس اگر اعتراض کند ملت به و کبیل خودش بعقیده بنده حق دارد و بنده آنرا دشمنی تلقی نمیکنم آخر چه اعتراضی میکنی؟ اعتراض این است که میگوید این حالت خونسردی تو که و کبیل منی برای من بد است شماها که و کلاهی ما ملت هستید نمیتوانید با یک قیام و تودم را از این نگرانی بیرون بیاورید.

یک کلمه دیگر هم هست و آن اینست (گمان میکنم اینطور باشد) که آقای داور فرمودند و خودشان هم توضیح دادند که برای شوخی یا جدی بنده گمان میکنم که هر کس هر چه خیال میکند و هر که هر چه در ذهنش هست بنده و ایشان که نماینده هستیم باید تکلیف مردم را معلوم کنیم.

بنده خودم را عرض میکنم که خ از غیبت ندامت بنده دست غیب از غیب که خبر ندمم بنده می گویم این ملت است که می گوید تکلیف را معین نکن.

راستی راستی نگرانی و بحران بد است یا لا اقل حرف بزنید به مردم و بگویند ما در ظرف یک هفته یا دو روز یا ده روز تکلیف را معین میکنیم شما ساکت باشید.

ده بیست سی روز است که تلگرافاتی از آذربایجان و بعضی جاهای دیگر رسیده است و ما بخونسردی تلقی کرده ایم البته اگر من هم یک و کبیلی داشته باشم که بخونسردی مطالب و حرف مرا تلقی کند او تمام تلخ میشود یک کلمه آقای بهار فرمودند که آن کلمه بعقیده بنده باید یک قمری اصلاح شود

فرمودند دولت مقتدر اگر بنا باشد خلاف قانون اساسی گفته شود دولت مقتدر باید جلوگیری نماید بلی راست است اما دولت مقتدر بهای جوی افکار مردم را که نمیتواند بگیرد

دولت مقتدر بهای جوی نمیتواند بزند بگوید این عقیده که داری اظهار نکن دولت مقتدر بهای جوی که - هل است دولت مقتدر تر از بهای جوی و یک اقتدار فوق اقتدار آقای بهای جوی هم که در ذهن من بیاید نمی تواند بگوید تو آزاد نیستی حرفت را نزن.

بنده میگویم فلان ماده از قانون اساسی را من قبول ندارم دولت مقتدر بهای جوی دولت مقتدر دیگری نمیتواند توی دهن من بزند

بلی ممکن است یک نفر بیاید توی دهن من بزند و بگوید تومی فهمی البتین یک حرفی است ولی دولت مقتدر نمی تواند توی دهن ملت بزند و بگوید حرف نزن و دفع نمیکنی؟

سلب آزادی از مردم بگند دولت مقتدر با راستی مظهر افکار ملت باشد و انکارش از روی انکار ملت باشد اگر فرض کنیم که دولت مقتدر بهای جوی را متفرق میکرد آیا فوراً مجلس باو اعتراض نمیکرد که آقای دولت چرا اینها را متفرق کردید

هیچ دولت مقتدری نمیتواند جلوی افکار ملت را بگیرد نمیتواند جلوی این اعلامیه ها را بگیرد دولت نمیتواند مردم را بگیرد حبس کند که چرا شما میخواهید عقاید و افکار خودتان را اظهار کنید

پس بنده اعلی ذلک در خانه عریض خودم عرض میکنم که باید هر چه زودتر باین بحران و باین بلاتکلیفی و نگرانی خاتمه داد مردم را از حالت بلاتکلیفی و نگرانی نجات داد

حالا اگر آقایان میل دارند که بیونی تشکیل بدهند هر چه بعقیده بنده اینهم با وزیر میشود برای اینکه جلسه کمیسیون یک روز تشکیل میشود یک روز نمی شود و بالاخره کم کم همه امضاء کمیسیون کم میشود و باز این قضایا همینطور بعالت بی تکلیفی میماند و روز بیست روز طول خواهد کشید

این نکته را هم باید مدنظر کرد که داور بنده فرمودند بلکه خوب فرمودند که اصل تفرق بعضی عبارات خوب نیست و کیف از تصرفش

مثلاً بنده عرض میکنم خیال دارم اداره نواقل یابند و را تصرف کنند اصلاً این کلمه بد است دیگر مثلش البته بدتر است بنده عقیده ام این است که بهتر تریبی هست باید جلو گیری کرد

نایب رئیس - مکرر گفته میشود مجلس نسبت برسد کمی باین تلگراف و عریض مردم مسامحه کرده است

البته همه آقایان تصدیق میکنند که مجلس مسامحه نکرده است نهیات اشخاصی که در خارج هستند برای اینکه از ازار مضاعف ترتیبات داخلی مجلس مطلع نیستند این تصور را میکنند

دولت مقتدر بهای جوی نمیتواند بزند بگوید این عقیده که داری اظهار نکن دولت مقتدر بهای جوی که - هل است دولت مقتدر تر از بهای جوی و یک اقتدار فوق اقتدار آقای بهای جوی هم که در ذهن من بیاید نمی تواند بگوید تو آزاد نیستی حرفت را نزن.

بنده میگویم فلان ماده از قانون اساسی را من قبول ندارم دولت مقتدر بهای جوی دولت مقتدر دیگری نمیتواند توی دهن من بزند

بلی ممکن است یک نفر بیاید توی دهن من بزند و بگوید تومی فهمی البتین یک حرفی است ولی دولت مقتدر نمی تواند توی دهن ملت بزند و بگوید حرف نزن و دفع نمیکنی؟

آقایان اجازه خواسته اند و تصور میکنم تمام هم موافق با این موضوع باشند که باید راه حلی پیدا کرد.

بنا بر این بهتر اینست که وارد در طریق حل شوند و الا در حکایات همه موافقت یک پیشنهادی هم از آقای حائریزاده راجع بتفانس رسیده است قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم تفانس رسیده باشد (شرح ذیل قرائت شد)

نایب رئیس - بفرمائید

حائریزاده - این موضوعی که حالا مطرح است من هر چه فکر میکنم چه اباسی نشی کنم نمی فهمم.

چون رایبرت کمیسیون عریض ابتداء مطرح شد و رایبرت کمیسیون هم این بود که تلگرافات قرائت شود بعد آقایان گفتند خوبست مضمون تلگرافات بعرض مجلس برسد ولی بعد از قرائتش صرف نظر شد.

مجلس مجلس روضه خرابی و گرفتاری نیست که هر کسی بیاید یک اظهاری بگند مجلس باید یک راه حلی برای این بی تکلیفی (که همه متفق هستیم که باید بان خاتمه داده شود) معین نماید.

بعقیده بنده خوبست تفانس داده شود تا در خارج جلسه علنی علماء علم حقوقی که داریم بشنوند بهای جوی هم و یک راه حل و فرمولی پیدا کنند و آن را زمینه قرار بدهیم و از روی آن عمل کنیم والا از این ملذذ گرات متفرقه که بنده بعقیده اظهار کنم بالاخره نتیجه نمی رسیم و تفانس وقت هم فایده ندارد از این جهت بنده پیشنهاد تفانس کردم.

نایب رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده در اصل این پیشنهاد که چند دقیقه تفانس داده شود مخالف نیستم فقط این قسمت را میخواستم خدمت آقایان عرض کنم و آن اینست که اگر واقعا تصد تبادل نظر دارند و البته آقایان که این پیشنهاد را داده اند مقصودشان همینست که یک ساعتی در بیرون بشینند و تبادل نظر کنند بلکه زودتر بمقصد برسیم.

این امر درست است بنده ولی اگر خیر مقصود اینست که وقتی تلف شود آقایان هم تشریف بزنند و این قضیه هم هر قدر میکشد بکشد که این ترتیب صحیحی نیست و بنده مخالفم.

حائریزاده - قصد بنده هم همین بود که در خارج بشینند و یک راه حلی پیدا کنند.

نایب رئیس - این ترتیب که علماء علم حقوق در خارج بشینند رسمی نیست و اگر آقایان بخواهند صورت رسمی پیدا کنند

باید یک کمیسیونی رسماً انتخاب کنند نهایت علماء علم حقوق را بصورت آن کمیسیون انتخاب کنند تا رایبری بدهند و در آن مذاکره شود علی ای حال رأی میگیریم بتفانس.

دست غیب - بنده مخالفم نایب رئیس - بفرمائید

دست غیب - اولاً این که بنده خودم بفرموده آقای حائریزاده این موعظه را بخودم میکنم (چون شغلم موعظه کردنست) در عبارت عقیده ام اینست که باید درست حفظ نرا کت را کرد.

برای اینکه اگر یکی از نرا کت خارج شود دیگری هم باید از نرا کت خارج شود و مجلس همانطور که مظهر افکار سیاسی مردم است مظهر افکار و اخلاق مردم هم هست.

راجع بتفانس هم اگر چنانچه یک عده نزودند که باز مجلس از اکثریت بیفتد خیلی خوبست تفانس داده شود ولی چون من قطع دارم که یک عده خواهند رفت و مجلس از اکثریت خواهد افتاد از این جهت مخالفم.

نایب رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - بنده از فرمایشاتی که که آقای دستغیب فرمودند خیلی تعجب میکنم مگر ما حالا اگر بخواهیم برویم کارمانی داریم یا یک مأموری داریم که اینجا بشینیم.

آقا سید یعقوب - بلی مانع دارید بحران مملکت مانع است

حائریزاده - خوب بلی بحران مملکت مسأله است علی حده والا اینجایی یکی آقایان بخواهند اظهار عقیده بکنند فایده ندارد و هیچ نتیجه نمی رسیم.

پس بهتر اینست که یک کمیسیونی همین طور که آقای نایب رئیس فرمودند انتخاب بشود و هر شکلی که صحیح تر است کمیسیون انتخاب بشود و بشینند و در موقع تفانس این قضیه راجل کنند و به یک صورتی بیاورند مجلس وطوری هم نباشد که یک ماه منتظر انتخاب کمیسیون بشویم.

نایب رئیس - پس موافقت با انتخاب کمیسیون نایب رئیس راجع باین مطلب رسیده است قرائت می شود این بنده تقاضای کنم که کمیسیونی مر کب از دو روز دیگر انتخاب شود (مجلس ملی طهران)

بنده پیشنهاد میکنم که یک کمیسیون دو روزه دیگری از مجلس انتخاب شود (سلطانی - یعقوب الوسوی)

نایب رئیس - آقای اشکر (اجازه)

اشکر - بنده با انتخاب کمیسیون از مجلس مخالفم و این را صلی نمیدانم و عقیده دارم که نماینده گان فراکسیونها در خارج جمع شوند و بشینند این قضیه را حل کنند

کنند والا انتخاب کمیسیون از مجلس آن هم راجع بیک امر مهمی هیچ عملی نیست.

زیرا شاید بنده با این ترتیب باشم ولی آن کسی که انتخاب می شود مخالف باشد بنابراین خوبست از فراکسیونها یک عده معین شوند و ممکن است آقایان منفرد هم نماینده بفرستند.

نایب رئیس - آنطوریکه در خارج مجلس از فراکسیونها انتخاب بشود رسمی نیست یا باید از مجلس انتخاب شود یا از شعب علی ای حال پیشنهاد دیگری شده است راجع بشب اما آن قسمت اخیرش باید حذف شود.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید در پیشنهاد توضیح بدهم.

نایب رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - گر چه این مسأله را مقام ریاست فرمودند که فراکسیونها اگر نماینده انتخاب بکنند رسمیت ندارد نه سابقه جلسی دارد نه سابقه نظامنامه و کمیسیونی که رسمیت دارد و رایبرتش ممکن است در مجلس قرائت شود کمیسیون متعینه از مجلس یا از شعب است.

بعلاوه ما که پیشنهاد کردیم کمیسیون دو روزه نفری انتخاب بشود عقیده من بخونسردی نیست بلکه عقیده من بجدیت و تمام کردن کار است و همین طور که آقای حائریزاده فرمودند صحیح است مجلس مجلس روضه خوانی و گرفتاری نیست بلکه مجلس حقیقه برای یک امر فوق العاده تشکیل شده است.

ملت در جنبش است ملت طهران در جنبش است حالا آقای ملک الشعراء بفرمائید خیر اینطور نیست بنده عرض میکنم: آقا ملت آذربایجان در جنبش است.

نایب رئیس - آقا راجع بپیشنهاداتتان توضیح بدهید

آقا سید یعقوب - پس چون قضیه فوق العاده است و باید خاتمه پیدا کند ما اینطور پیشنهاد کردیم که کمیسیونی دو روزه نفری از مجلس انتخاب شود و با سرعت اوقات فردا یا روز شنبه بشینند و مطلب را حل کنند.

بهار - بنده بر طبق نظامنامه توضیح دارم نایب رئیس - بفرمائید

بهارا اگر مقصود آقایان اینست که باز مثل سابق در مسائل مخالف و موافق بفرمایند و مطالب را سوء تعبیر بفرمایند در اصل موضوع نشدم و خواهش میکنم آقای آقا سید یعقوب هم سوء تعبیر نمایند بفرمائید

نایب رئیس - بفرمائید

بهارا اگر مقصود آقایان اینست که باز مثل سابق در مسائل مخالف و موافق بفرمایند و مطالب را سوء تعبیر بفرمایند در اصل موضوع نشدم و خواهش میکنم آقای آقا سید یعقوب بسیار خوب تکذیب بفرمائید بفرمائید ولی آنجا ( اشاره

بهیبت تند نویسی) داشته شده است .  
 نایب رئیس - رای میگیریم پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب آقای سلطانی که کمیسیون دوازده نفری از مجلس انتخاب شود  
 باسانی - بنده با این پیش نهاد مخالفم  
 نایب رئیس - البته آقایان تصدیق میفرمایند که در پیش نهاد مذکور یک نفر مخالف کفایت است . یک پیش نهاد دیگری هم رسیده است که بعد عرض آقایان میرسد آن هم از شمس است .  
 فعلا رای میگیریم پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب و آقای سلطانی .  
 پیش نهادی هم رسیده است که راجع باین موضوع باورهای گرفته شده و قرائت می شود :

(شرح ذیل خوانده شد)  
 ما امضاء کنندگان تقاضا داریم درین موضوع باورهای گرفته شده (عبداله باسانی) دکتر امیر - دست قویب - کی استوان علی رضا الحسینی - اخگر - بنده پس بگیریم .  
 سلطانی - بنده امضاء می کنم .  
 نایب رئیس - سایر آقایان هم پس بگیرند؟  
 باسانی - خیر  
 نایب رئیس - آقای دکتر امیر اعلم شاهام امضاء فرموده اند .  
 دکتر امیر خان اعلم - بنده پس بگیریم  
 نایب رئیس - پس دیگر مورد ندارد .  
 نایب رئیس - رای میگیریم پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب آقایان موافقین قیام فرمایند .

(عبدقلی برخواستند)  
 نایب رئیس - تصویب نشد .  
 پیش نهادی از طرف آقای نجات شده اما عده نش معلوم نیست .  
 نجات دوازده نفر است .  
 (بعضیون ذیل خوانده شد)  
 بنده پیش نهاد می کنم کمیسیونی بقررت از شمس انتخاب شده آنچه راجع راجع باین قضیه میدانم بمجلس راپرت بدهد که تکلیف آن معلوم شود .  
 (درین موقع بواسطه شلیک چند تیر در خارج مجلس و خارج شدن آقایان نمایندگان از مجلس . جلسه تعطیل و بقاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل شد)  
 نایب رئیس - در اثر حادثه که عبارت از شلیک چند تیر در خارج مجلس بود و بعد از تحقیقات معلوم شد که بواسطه مجلس نبوده است یک عده از ناشایق ها وحشت کردند و با عجله از مجلس خارج شدند درین مسئله باعث وحشت آقایان نمایندگان شدو باین جهت جلسه بهم خورد و در اثر این حادثه از فرار معلوم گویا بعضی از آقایان

نمایندگان تشریف برده اند بنابراین عده برای مذاکره رای کافی نیست و جلسه ختم میشود جلسه آتی به طاق معلول روز یکشنبه . . .  
 بعضی از نمایندگان - جلسه شنبه تشکیل شود .  
 نایب رئیس - عرض کردم عده برای رای کافی نیست و برخلاف نظامنامه هم نمی شود رفتار کرد چون قبلاً اکثریت مجلس روز یکشنبه برآمده است همان روز یکشنبه جلسه تشکیل میشود منتهی دستور همین دستوری که امروز مطرح بود و ناتمام مانده است .  
 (مجلس در ساعت و ربع از شب گذشته ختم شد)  
 نایب رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تعین منشی م - شهاب علی خطیبی صورت مشروح مجلس مورخه شنبه نهم آبان ماه مطابق سیزدهم ربیع الثانی ۱۳۴۴ جلسه دویست و یازدهم مجلس سه ربع ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای تدین (نایب رئیس) تشکیل گردید  
 صورت مجلس عصر پنجشنبه هفتم آبان ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند  
 نایب رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)  
 آقا شیخ جلال - در دستور عرض داشتیم .  
 نایب رئیس - آقای اخگر .  
 (اجازه)  
 اخگر - قبل از دستور عرض داشتم  
 نایب رئیس - آقای نظامی  
 (اجازه)  
 نظامی - فعلا عرضی ندارم  
 نایب رئیس - آقای علانی  
 (اجازه)  
 علانی - خواستم عرض کنم آقای مستوفی ...  
 نایب رئیس - راجع بصورت مجلس فرمایشی دارید؟  
 علانی - بلی خواستم عرض کنم که آقای مستوفی را امروز آقای رئیس الوزرا خواسته بودند قبل از رفتن ...  
 نایب رئیس - صحبت راجع بصورت مجلس است بعد فرمایش بکنید .  
 آقای نجات . (اجازه)  
 نجات - عرضی ندارم .  
 نایب رئیس - آقای آصف  
 فرج الله خان آصف - چون بنده را جزو غائبین بی اجازه نوشته بودند خواستم

این ها است اخطار قانونی دارم اجازه میدهم عرض کنم  
 نایب رئیس - بعد از این ممکنست اجازه بگیرم صحبت بفرمایید  
 مدرس - در جلسه رسمی اخطار قانونی مقدم است .  
 نایب رئیس - مقصودتان اخطار نظامنامه است؟  
 مدرس - بلی مگر نظامنامه قانون نیست؟ باید استعفای رئیس را بخوانید  
 نایب رئیس - آقای داور (اجازه)  
 داور - البته اخطاریکه حضرت آقای مدرس فرمودند ایشان حق داشتند و البته هر وکیل میتواند هر ماده از نظامنامه را اخطار کند ولی معمول مجلس و سابقه بر این بوده است که هر وقت یکده یا یک رای زیادی بیک رئیس رای دادند بعضی اینک استعفا داد نمی باید استعفانامه را قرائت کنند  
 ما بشنوبم آقای مستوفی استعفا دادند همانطور که راجع باقا میرزا حسینخان بیرنیا چندین روز مجلس عمل کرد و استعفای ایشان را قرائت نکرد همانطور هم در مورد آقای مستوفی تصور میکنم هیچ اجباری برای ما نیست که آن استعفا را قرائت کنیم باید اقدام کنیم بلکه ایشان را متقاعد کنیم و کلیتاً بکلی مایوس شدیم آنوقت استعفانامه را قرائت کنیم  
 نایب رئیس - آقای مدرس (اجازه)  
 مدرس - ما اقدام کردیم و ایشان متقاعد نشدند و امروز هم مجدداً استعفا می فرمایند و نوشته اش هم پیش آقای قرائت نگردید و نوشته اش هم پیش آقای قبول نکردند لهذا بمقتضای نظامنامه قبل از همه چیز باید استعفا را بخوانند که رئیس را معین کنند و اگر معین گردند استعفا را قبول کنند .  
 نایب رئیس - بنده عرض دارم  
 نایب رئیس - آقای زهم (اجازه)  
 زهم - همانطور بنده را هم غایب بی اجازه نوشته بودند ولی بواسطه عارضه کسالت تحصیل اجازه کرده بودم بعد از ظهر هم به همین ملاحظه نیامده بودم  
 نایب رئیس - بعد از مراجع بکسیون اصلاح می شود به صورت مجلس ایرادی نیست؟  
 زهم - بنده عرض دارم  
 نایب رئیس - آقای زهم (اجازه)  
 زهم - همانطور بنده را هم غایب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده مطلع نبودم خواهش میکنم اصلاح شود  
 نایب رئیس - این هم اصلاح می شود دیگر نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست؟ (گفته شد خیر)  
 نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد قبل از ورود در دستور سه فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی تقدیم مجلس شده است که یکی یکی یکی عرض مجلس میرسد .  
 خبر اول راجع بر مرخصی شاهزاده محمد هاشم میرزا است از تاریخ حرکت کمیسیون هم تصویب کرده است  
 مدرس - اخطار قانونی دارم (شرح آتی قرائت شد)  
 ماده ۱۰۱ اگر رئیس قبل از انقضای مدت ریاست استعفا یا فوت نمود من ترین نایب رئیس مجلس را منتهی استعفانامه را قرائت یا فوت را اعلام کرده مجلس را ختم

میکند و در ظرف سه روز در تحت ریاست همان نایب رئیس مجدداً مجلس منعقد بطوریکه در ماده هشتم ذکر شد رئیس انتخاب میشود  
 نایب رئیس - این ماده یازدهم دائر است صورتی که رئیس اشتغال بخدمت حاصل کرده باشد مراسله آقای مستوفی هم قرائت میشود  
 داور - اجازه میفرمایید  
 نایب رئیس - اجازه بدهید قرائت شود تا مسئله حل شود  
 (شرح ذیل قرائت شد)  
 هفتم آبانماه ۱۳۰۴ مقام مقدس مجلس شورای ملی  
 پس از تشکر از حسن ظن که نماینده گان گنم محترم نسبت ببنده ابراز داشته اند تصدیق میدهم که بعلل چندی در جواب لفظ آقای نایب رئیس امتناع خود را از مقام ریاست عرض کردم چون از قرائت معلوم رسمی تلقی نفرموده اند این است که کتباً هم بر عرض میرسانم  
 نایب رئیس - بقرینه بنده شامل ماده یازدهم نیست و فوریت را اینجا نمیتوانیم بعضی از نمایندگان - صحبت مدرس - ورقه امروز را بدهید بخوانند  
 نایب رئیس - ورقه امروز هم همین است  
 (بعضیون ذیل قرائت شد)  
 روز سه شنبه اینجانب امتناع و استعفای خود را از مقام ریاست آقای نایب رئیس داده ام و نمیدانم چه شده است که تا بحال قرائت نشده است (حسن)  
 نایب رئیس - این اخبار از اینست که قبلاً مراسله بنده نوشته شده است عین مراسله هم هست  
 آقای مدرس (اجازه)  
 مدرس بنده خواهش دارم فرمول استعفایم را بفرمایند چون بعد از این عمل ابلاغ می شود استعفا طلب معفو یعنی اینکه بر من تعجب کرده اند من طلب عفو میکنم این معنی استعفاست هم ورقه اول استعفا بوده هم ورقه دوم میفرماید که من استعفای خودم را دادم چرا نخوانید و من از آقایان تقاضا میکنم مطالب را بیک صورتی در آوریم که مردم لافل بدانند که ما میخواهیم یک صورت قانونی درست کنیم استعفا یعنی طلب عفو  
 هم بر روزی استعفا بوده است هم امروز میگوید اینکه مرا رئیس کرده اند من طلب عفو میکنم نظامنامه هم میگوید استعفای رئیس را باید در جلسه اول خوانند و بعد رئیس را معین کرد تا مجلس قانونی شود - شما میخواهید قانونی نشود نشود

میکند و در ظرف سه روز در تحت ریاست همان نایب رئیس مجدداً مجلس منعقد بطوریکه در ماده هشتم ذکر شد رئیس انتخاب میشود  
 نایب رئیس - این ماده یازدهم دائر است صورتی که رئیس اشتغال بخدمت حاصل کرده باشد مراسله آقای مستوفی هم قرائت میشود  
 داور - اجازه میفرمایید  
 نایب رئیس - اجازه بدهید قرائت شود تا مسئله حل شود  
 (شرح ذیل قرائت شد)  
 هفتم آبانماه ۱۳۰۴ مقام مقدس مجلس شورای ملی  
 پس از تشکر از حسن ظن که نماینده گان گنم محترم نسبت ببنده ابراز داشته اند تصدیق میدهم که بعلل چندی در جواب لفظ آقای نایب رئیس امتناع خود را از مقام ریاست عرض کردم چون از قرائت معلوم رسمی تلقی نفرموده اند این است که کتباً هم بر عرض میرسانم  
 نایب رئیس - بقرینه بنده شامل ماده یازدهم نیست و فوریت را اینجا نمیتوانیم بعضی از نمایندگان - صحبت مدرس - ورقه امروز را بدهید بخوانند  
 نایب رئیس - ورقه امروز هم همین است  
 (بعضیون ذیل قرائت شد)  
 روز سه شنبه اینجانب امتناع و استعفای خود را از مقام ریاست آقای نایب رئیس داده ام و نمیدانم چه شده است که تا بحال قرائت نشده است (حسن)  
 نایب رئیس - این اخبار از اینست که قبلاً مراسله بنده نوشته شده است عین مراسله هم هست  
 آقای مدرس (اجازه)  
 مدرس بنده خواهش دارم فرمول استعفایم را بفرمایند چون بعد از این عمل ابلاغ می شود استعفا طلب معفو یعنی اینکه بر من تعجب کرده اند من طلب عفو میکنم این معنی استعفاست هم ورقه اول استعفا بوده هم ورقه دوم میفرماید که من استعفای خودم را دادم چرا نخوانید و من از آقایان تقاضا میکنم مطالب را بیک صورتی در آوریم که مردم لافل بدانند که ما میخواهیم یک صورت قانونی درست کنیم استعفا یعنی طلب عفو  
 هم بر روزی استعفا بوده است هم امروز میگوید اینکه مرا رئیس کرده اند من طلب عفو میکنم نظامنامه هم میگوید استعفای رئیس را باید در جلسه اول خوانند و بعد رئیس را معین کرد تا مجلس قانونی شود - شما میخواهید قانونی نشود نشود

پیشنهاد می کنم که نظر باین که مطلب مهم در کار است استعفای رئیس خوانده شود و عصر مجلس تشکیل شده تعیین رئیس شود بعد از رسمیت وارد دستور شویم  
 مدرس - بنده که همه آقایان می دانند ده بیست و روز بود ناخوش بودم لیکن هر روز که حالم جامی آمد این کاغذها و تلگرافات که آمده بود شبانه روز یکمرتبه بحکم طبیب نگاه میکردم  
 هی میدیدم از اطراف تلگراف می آمد  
 اطلاع کامل از وقایع نداشتم حالاً همان طور که آقای آقا سید یعقوب میفرمایند لابد آقایان بیکه بیرون هستند میدانند که واقعه مهمی هست بنده که کاملاً واقعه مهمی نمی دانم حالا نظر باینکه می فرمایند واقعه مهم است پس باید مجلس هم کامل القاره باشد اما که اینجا در نبرویم .  
 ما کوفایع مهمه در این شانزده سال خیلی دیدیم .  
 اینهم یک واقعه بواسطه اینکه مجلس از هر جهت بی عیب باشد استعفای رئیس را حالا میخوانیم عصر آقایان می آیند بنده هم که کسالت دارم می آیم در خدمت آقایان مجدداً رئیس را معین می کنیم آنوقت وارد هر مسئله مهم که می خواهید میشود .  
 مسئله مهم خیلی است این مجلس دیده است .  
 این هم یکی و الان تا عصر هم نه مملکت ایران خراب میشود نه مسئله مهم جایز عیب میکنند و این و کلاه هم بنده قول میدهم هیچکدام از طهران بیرون نروند و تشریف داشته باشد .  
 اگر این تقاضای من مشروع است بشنوبید والا از بنده گفتن است شما بخواهید بشنوبید نمیخواهید نشنوبید .  
 استعفای رئیس را حالا بخوانند عصر هم می آیم خدمت آقایان و رای میدهم بکسیکه صلاح می دانند رئیس را که معین کردیم آنوقت مسئله مهم که آقای آقا سید یعقوب یا از این مسئله مهم که آقای آقا سید یعقوب که چکیده انقلاب شرطه هستند میفرمایند هیچ بار از میدان در نرفته ایم که حالا از میدان در برویم .  
 حالاً بنده عصر باشد . حالا دیگر می بستم بدهی بستم نمی بستم بخود دانید  
 نایب رئیس - آقای داور (اجازه)  
 داور - بنده میخواستم تنها کنم از خود آقای مدرس که این مسئله را بنقدر تکرار نفرمایند (که مجلس بی عیب باشد) اگر استعفای رئیس خوانده نشود مجلس عیب دارد البته یکوقت مسائلی از نقطه نظر احساسات است در اینصورت ممکن است تصور شود که بودن فلاسفس و نخواندن فلان کاغذ یک عیبی دارد یکوقت از نقطه نظر یک اصول

پیشنهاد می کنم که نظر باین که مطلب مهم در کار است استعفای رئیس خوانده شود و عصر مجلس تشکیل شده تعیین رئیس شود بعد از رسمیت وارد دستور شویم  
 مدرس - بنده که همه آقایان می دانند ده بیست و روز بود ناخوش بودم لیکن هر روز که حالم جامی آمد این کاغذها و تلگرافات که آمده بود شبانه روز یکمرتبه بحکم طبیب نگاه میکردم  
 هی میدیدم از اطراف تلگراف می آمد  
 اطلاع کامل از وقایع نداشتم حالاً همان طور که آقای آقا سید یعقوب میفرمایند لابد آقایان بیکه بیرون هستند میدانند که واقعه مهمی هست بنده که کاملاً واقعه مهمی نمی دانم حالا نظر باینکه می فرمایند واقعه مهم است پس باید مجلس هم کامل القاره باشد اما که اینجا در نبرویم .  
 ما کوفایع مهمه در این شانزده سال خیلی دیدیم .  
 اینهم یک واقعه بواسطه اینکه مجلس از هر جهت بی عیب باشد استعفای رئیس را حالا میخوانیم عصر آقایان می آیند بنده هم که کسالت دارم می آیم در خدمت آقایان مجدداً رئیس را معین می کنیم آنوقت وارد هر مسئله مهم که می خواهید میشود .  
 مسئله مهم خیلی است این مجلس دیده است .  
 این هم یکی و الان تا عصر هم نه مملکت ایران خراب میشود نه مسئله مهم جایز عیب میکنند و این و کلاه هم بنده قول میدهم هیچکدام از طهران بیرون نروند و تشریف داشته باشد .  
 اگر این تقاضای من مشروع است بشنوبید والا از بنده گفتن است شما بخواهید بشنوبید نمیخواهید نشنوبید .  
 استعفای رئیس را حالا بخوانند عصر هم می آیم خدمت آقایان و رای میدهم بکسیکه صلاح می دانند رئیس را که معین کردیم آنوقت مسئله مهم که آقای آقا سید یعقوب یا از این مسئله مهم که آقای آقا سید یعقوب که چکیده انقلاب شرطه هستند میفرمایند هیچ بار از میدان در نرفته ایم که حالا از میدان در برویم .  
 حالاً بنده عصر باشد . حالا دیگر می بستم بدهی بستم نمی بستم بخود دانید  
 نایب رئیس - آقای داور (اجازه)  
 داور - بنده میخواستم تنها کنم از خود آقای مدرس که این مسئله را بنقدر تکرار نفرمایند (که مجلس بی عیب باشد) اگر استعفای رئیس خوانده نشود مجلس عیب دارد البته یکوقت مسائلی از نقطه نظر احساسات است در اینصورت ممکن است تصور شود که بودن فلاسفس و نخواندن فلان کاغذ یک عیبی دارد یکوقت از نقطه نظر یک اصول

پیشنهاد می کنم که نظر باین که مطلب مهم در کار است استعفای رئیس خوانده شود و عصر مجلس تشکیل شده تعیین رئیس شود بعد از رسمیت وارد دستور شویم  
 مدرس - بنده که همه آقایان می دانند ده بیست و روز بود ناخوش بودم لیکن هر روز که حالم جامی آمد این کاغذها و تلگرافات که آمده بود شبانه روز یکمرتبه بحکم طبیب نگاه میکردم  
 هی میدیدم از اطراف تلگراف می آمد  
 اطلاع کامل از وقایع نداشتم حالاً همان طور که آقای آقا سید یعقوب میفرمایند لابد آقایان بیکه بیرون هستند میدانند که واقعه مهمی هست بنده که کاملاً واقعه مهمی نمی دانم حالا نظر باینکه می فرمایند واقعه مهم است پس باید مجلس هم کامل القاره باشد اما که اینجا در نبرویم .  
 ما کوفایع مهمه در این شانزده سال خیلی دیدیم .  
 اینهم یک واقعه بواسطه اینکه مجلس از هر جهت بی عیب باشد استعفای رئیس را حالا میخوانیم عصر آقایان می آیند بنده هم که کسالت دارم می آیم در خدمت آقایان مجدداً رئیس را معین می کنیم آنوقت وارد هر مسئله مهم که می خواهید میشود .  
 مسئله مهم خیلی است این مجلس دیده است .  
 این هم یکی و الان تا عصر هم نه مملکت ایران خراب میشود نه مسئله مهم جایز عیب میکنند و این و کلاه هم بنده قول میدهم هیچکدام از طهران بیرون نروند و تشریف داشته باشد .  
 اگر این تقاضای من مشروع است بشنوبید والا از بنده گفتن است شما بخواهید بشنوبید نمیخواهید نشنوبید .  
 استعفای رئیس را حالا بخوانند عصر هم می آیم خدمت آقایان و رای میدهم بکسیکه صلاح می دانند رئیس را که معین کردیم آنوقت مسئله مهم که آقای آقا سید یعقوب یا از این مسئله مهم که آقای آقا سید یعقوب که چکیده انقلاب شرطه هستند میفرمایند هیچ بار از میدان در نرفته ایم که حالا از میدان در برویم .  
 حالاً بنده عصر باشد . حالا دیگر می بستم بدهی بستم نمی بستم بخود دانید  
 نایب رئیس - آقای داور (اجازه)  
 داور - بنده میخواستم تنها کنم از خود آقای مدرس که این مسئله را بنقدر تکرار نفرمایند (که مجلس بی عیب باشد) اگر استعفای رئیس خوانده نشود مجلس عیب دارد البته یکوقت مسائلی از نقطه نظر احساسات است در اینصورت ممکن است تصور شود که بودن فلاسفس و نخواندن فلان کاغذ یک عیبی دارد یکوقت از نقطه نظر یک اصول

پیشنهاد می کنم که نظر باین که مطلب مهم در کار است استعفای رئیس خوانده شود و عصر مجلس تشکیل شده تعیین رئیس شود بعد از رسمیت وارد دستور شویم  
 مدرس - بنده که همه آقایان می دانند ده بیست و روز بود ناخوش بودم لیکن هر روز که حالم جامی آمد این کاغذها و تلگرافات که آمده بود شبانه روز یکمرتبه بحکم طبیب نگاه میکردم  
 هی میدیدم از اطراف تلگراف می آمد  
 اطلاع کامل از وقایع نداشتم حالاً همان طور که آقای آقا سید یعقوب میفرمایند لابد آقایان بیکه بیرون هستند میدانند که واقعه مهمی هست بنده که کاملاً واقعه مهمی نمی دانم حالا نظر باینکه می فرمایند واقعه مهم است پس باید مجلس هم کامل القاره باشد اما که اینجا در نبرویم .  
 ما کوفایع مهمه در این شانزده سال خیلی دیدیم .  
 اینهم یک واقعه بواسطه اینکه مجلس از هر جهت بی عیب باشد استعفای رئیس را حالا میخوانیم عصر آقایان می آیند بنده هم که کسالت دارم می آیم در خدمت آقایان مجدداً رئیس را معین می کنیم آنوقت وارد هر مسئله مهم که می خواهید میشود .  
 مسئله مهم خیلی است این مجلس دیده است .  
 این هم یکی و الان تا عصر هم نه مملکت ایران خراب میشود نه مسئله مهم جایز عیب میکنند و این و کلاه هم بنده قول میدهم هیچکدام از طهران بیرون نروند و تشریف داشته باشد .  
 اگر این تقاضای من مشروع است بشنوبید والا از بنده گفتن است شما بخواهید بشنوبید نمیخواهید نشنوبید .  
 استعفای رئیس را حالا بخوانند عصر هم می آیم خدمت آقایان و رای میدهم بکسیکه صلاح می دانند رئیس را که معین کردیم آنوقت مسئله مهم که آقای آقا سید یعقوب یا از این مسئله مهم که آقای آقا سید یعقوب که چکیده انقلاب شرطه هستند میفرمایند هیچ بار از میدان در نرفته ایم که حالا از میدان در برویم .  
 حالاً بنده عصر باشد . حالا دیگر می بستم بدهی بستم نمی بستم بخود دانید  
 نایب رئیس - آقای داور (اجازه)  
 داور - بنده میخواستم تنها کنم از خود آقای مدرس که این مسئله را بنقدر تکرار نفرمایند (که مجلس بی عیب باشد) اگر استعفای رئیس خوانده نشود مجلس عیب دارد البته یکوقت مسائلی از نقطه نظر احساسات است در اینصورت ممکن است تصور شود که بودن فلاسفس و نخواندن فلان کاغذ یک عیبی دارد یکوقت از نقطه نظر یک اصول

پیشنهاد می کنم که نظر باین که مطلب مهم در کار است استعفای رئیس خوانده شود و عصر مجلس تشکیل شده تعیین رئیس شود بعد از رسمیت وارد دستور شویم  
 مدرس - بنده که همه آقایان می دانند ده بیست و روز بود ناخوش بودم لیکن هر روز که حالم جامی آمد این کاغذها و تلگرافات که آمده بود شبانه روز یکمرتبه بحکم طبیب نگاه میکردم  
 هی میدیدم از اطراف تلگراف می آمد  
 اطلاع کامل از وقایع نداشتم حالاً همان طور که آقای آقا سید یعقوب میفرمایند لابد آقایان بیکه بیرون هستند میدانند که واقعه مهمی هست بنده که کاملاً واقعه مهمی نمی دانم حالا نظر باینکه می فرمایند واقعه مهم است پس باید مجلس هم کامل القاره باشد اما که اینجا در نبرویم .  
 ما کوفایع مهمه در این شانزده سال خیلی دیدیم .  
 اینهم یک واقعه بواسطه اینکه مجلس از هر جهت بی عیب باشد استعفای رئیس را حالا میخوانیم عصر آقایان می آیند بنده هم که کسالت دارم می آیم در خدمت آقایان مجدداً رئیس را معین می کنیم آنوقت وارد هر مسئله مهم که می خواهید میشود .  
 مسئله مهم خیلی است این مجلس دیده است .  
 این هم یکی و الان تا عصر هم نه مملکت ایران خراب میشود نه مسئله مهم جایز عیب میکنند و این و کلاه هم بنده قول میدهم هیچکدام از طهران بیرون نروند و تشریف داشته باشد .  
 اگر این تقاضای من مشروع است بشنوبید والا از بنده گفتن است شما بخواهید بشنوبید نمیخواهید نشنوبید .  
 استعفای رئیس را حالا بخوانند عصر هم می آیم خدمت آقایان و رای میدهم بکسیکه صلاح می دانند رئیس را که معین کردیم آنوقت مسئله مهم که آقای آقا سید یعقوب یا از این مسئله مهم که آقای آقا سید یعقوب که چکیده انقلاب شرطه هستند میفرمایند هیچ بار از میدان در نرفته ایم که حالا از میدان در برویم .  
 حالاً بنده عصر باشد . حالا دیگر می بستم بدهی بستم نمی بستم بخود دانید  
 نایب رئیس - آقای داور (اجازه)  
 داور - بنده میخواستم تنها کنم از خود آقای مدرس که این مسئله را بنقدر تکرار نفرمایند (که مجلس بی عیب باشد) اگر استعفای رئیس خوانده نشود مجلس عیب دارد البته یکوقت مسائلی از نقطه نظر احساسات است در اینصورت ممکن است تصور شود که بودن فلاسفس و نخواندن فلان کاغذ یک عیبی دارد یکوقت از نقطه نظر یک اصول

پیشنهاد می کنم که نظر باین که مطلب مهم در کار است استعفای رئیس خوانده شود و عصر مجلس تشکیل شده تعیین رئیس شود بعد از رسمیت وارد دستور شویم  
 مدرس - بنده که همه آقایان می دانند ده بیست و روز بود ناخوش بودم لیکن هر روز که حالم جامی آمد این کاغذها و تلگرافات که آمده بود شبانه روز یکمرتبه بحکم طبیب نگاه میکردم  
 هی میدیدم از اطراف تلگراف می آمد  
 اطلاع کامل از وقایع نداشتم حالاً همان طور که آقای آقا سید یعقوب میفرمایند لابد آقایان بیکه بیرون هستند میدانند که واقعه مهمی هست بنده که کاملاً واقعه مهمی نمی دانم حالا نظر باینکه می فرمایند واقعه مهم است پس باید مجلس هم کامل القاره باشد اما که اینجا در نبرویم .  
 ما کوفایع مهمه در این شانزده سال خیلی دیدیم .  
 اینهم یک واقعه بواسطه اینکه مجلس از هر جهت بی عیب باشد استعفای رئیس را حالا میخوانیم عصر آقایان می آیند بنده هم که کسالت دارم می آیم در خدمت آقایان مجدداً رئیس را معین می کنیم آنوقت وارد هر مسئله مهم که می خواهید میشود .  
 مسئله مهم خیلی است این مجلس دیده است .  
 این هم یکی و الان تا عصر هم نه مملکت ایران خراب میشود نه مسئله مهم جایز عیب میکنند و این و کلاه هم بنده قول میدهم هیچکدام از طهران بیرون نروند و تشریف داشته باشد .  
 اگر این تقاضای من مشروع است بشنوبید والا از بنده گفتن است شما بخواهید بشنوبید نمیخواهید نشنوبید .  
 استعفای رئیس را حالا بخوانند عصر هم می آیم خدمت آقایان و رای میدهم بکسیکه صلاح می دانند رئیس را که معین کردیم آنوقت مسئله مهم که آقای آقا سید یعقوب یا از این مسئله مهم که آقای آقا سید یعقوب که چکیده انقلاب شرطه هستند میفرمایند هیچ بار از میدان در نرفته ایم که حالا از میدان در برویم .  
 حالاً بنده عصر باشد . حالا دیگر می بستم بدهی بستم نمی بستم بخود دانید  
 نایب رئیس - آقای داور (اجازه)  
 داور - بنده میخواستم تنها کنم از خود آقای مدرس که این مسئله را بنقدر تکرار نفرمایند (که مجلس بی عیب باشد) اگر استعفای رئیس خوانده نشود مجلس عیب دارد البته یکوقت مسائلی از نقطه نظر احساسات است در اینصورت ممکن است تصور شود که بودن فلاسفس و نخواندن فلان کاغذ یک عیبی دارد یکوقت از نقطه نظر یک اصول

قانونی است . . . .  
 مدرس - قانونی است .  
 داور بنده تصور میکنم هیچ دلیل قانونی نمیتواند آقای مدرس ذکر بفرمایند برای اینکه اگر مجلس چنانکه باحال عمل کرده و بعضی اینک استعفای رئیس رسیده است نخوانده است این مرتبه هم ممکن است همانطور عمل کند و اگر ایشان هنوز نتوانستند استعفای مستوفی را متقاعد کنند ماهنوز مایوس نشده ایم که نتوانیم ایشانرا متقاعد کنیم .  
 بنابر این دیگر در این خصوص بیشتر از این اصرار نفرمایند .  
 حالا اگر واقعه مقصود این است که این تغییر شود که استعفا است خوانده شود و مجلس را در بحران بیندازیم البته اشخاصیکه موافق هستند که باید این کار را کرد و مقصود نه ماده یازدهم نظامنامه است البته این یک موضوع علیحده است بنده که این تغییر را نمیخواهم بکنم - خوب است پیش از این در این موضوع مذاکره نکنیم .  
 نایب رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای مدرس . آقایان بیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .  
 (چند نفری قیام نمودند)  
 نایب رئیس - تصویب نشد - خبر کمیسیون عرایض بر عرض آقایان میرسد .  
 (شرح ذیل خوانده شد)  
 آقای محمد هاشم میرزا (افسر) نماینده محترم تقاضای ۲ ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده کمیسیون تصویب مینماید که از تاریخ حرکت لغایت دو ماه غایت مجاز باشد .  
 نایب رئیس - مخالفی نیست؟ آقای افسر فرمایشی دارند؟  
 افسر - بنده ۳ ماه مرخصی خواسته ام - حالا دو ماه نوشته اند بنده انم مقصود کمیسیون چه بوده است شوشتری مخیر کمیسیون عرایض - کمیسیون دو ماه بیشتر رای نداد .  
 نایب رئیس - رای می گیریم بر خصی آقای افسر از تاریخ حرکت تا دو ماه آقایان بیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .  
 (اکثر قیام نمودند)  
 نایب رئیس - تصویب شد - خبر دیگر راجع بر خصی دو ماه دیگر ذکر کرد امیر خان اعلم از تاریخ حرکت کمیسیون هم تصویب کرده .  
 (بعضیون ذیل قرائت شد)  
 آقای دکتر امیر خان (اعلم) نماینده محترم تقاضای دو ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده کمیسیون تقاضای ایشان را پذیرفته تصویب مینماید که از تاریخ حرکت لغایت دو ماه غایت مجاز باشد .  
 نایب رئیس - مخالفی نیست؟

**نایب رئیس** - رأی می گیریم بفساد این خمر آفابانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب بر خاستند)

**نایب رئیس** - تصویب شد. خبر دیگر راجع بر خصی چهل و پنج روزه آقای شوشتری است از تاریخ حرکت کت کبیسیون هم تصویب کرده.

(بعضی ذیل فرات گرفتند)

آقای شوشتری - نه اینده محترم تقاضای ه روز دیگر مرخصی نموده دلایل ایشان را کبیسیون موجه دانسته تصویب می نمایند که از تاریخ حرکت لغایت ۴ روز قیام مجاز باشند.

**نایب رئیس** - رأی می گیریم بر خصی آقای شوشتری بعدت ه روز آفابانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب شد. آقای شیخ جلال راجع بدستور فرمایشی دارید؟

**آقا شیخ جلال** - بلی راجع بمسائل جاری پیشنهادی از طرف عده زیادی از آفابان امضاء شده و تقدیم مقام ریاست شده تقاضا میکنم جزو دستور شود.

**نایب رئیس** - نسبت باین پیش نهاد مخالفی نیست؟

(گفته شد خیر)

**نایب رئیس** - فرات می شود (بشرح ذیل فرات شد)

نظر باینکه عدم رضایت از سلطنت سلسله ناجاربه و شکایتیکه از این خانواده می شود بدرجه رسیده که مملکت را به خاطر میکشاند.

نظر باینکه حفظ مصالح عالی مملکت مهم ترین منظور و اولین وظیفه مجلس شورای ملی است و هر چه زودتر ببحران فعلی خاتمه باید داد.

امضاء کنندگان باینکه دوفوریت پیش نهاد میکنیم مجلس شورای ملی تصدیق ذیل را اتخاذ نماید.

ماده واحده - مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت ناجاربه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص رضاخان پهلوی واگذار مینماید.

بنظر مجلس موسسان است که برای تغییر مواد ۲۶ و ۲۷ و ۳۸ و ۳۹ متمم قانون اساسی تشکیل میشود.

**مدرس** - اخطار قانونی دارم.

**نایب رئیس** - راجع به این پیش نهاد است.

**مدرس** - بلی.

**نایب رئیس** - ماده اش را بفرمایند.

**مدرس** - ماده اش این است که خلاف قانون اساسی است.

**نایب رئیس** - درموقف صحبت بفرمایند.

**مدرس** - اخطار قانونی است که خلاف

قانون اساسی است و نمی شود در اینجا طرح کرد (در حال خروج) صد هزار رأی بهم میدهد خلاف قانون است.

**نایب رئیس** - آقای اخگر

**اخگر** - موافقم.

**نایب رئیس** - آقای مصدق السلطنه.

**دکتر محمد خان مصدق** - در خود موضوع عرضی دارم.

**نایب رئیس** - آقای داور

**داور** - موافقم.

**نایب رئیس** - آقای آقا شیخ جلال

**آقا شیخ جلال** - موافقم.

**نایب رئیس** - آقای یاسانی

**یاسانی** - موافقم.

**نایب رئیس** - آقای دادگر

**دادگر** - موافقم.

**نایب رئیس** - آقای نظامی

**نظامی** - موافقم.

**نایب رئیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - موافقم.

**نایب رئیس** - آقای علانی

**علانی** - در اصل موضوع عرض دارم.

**نایب رئیس** - رأی می گیریم بفوریت اول آفابانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب شد. رأی می گیریم بفوریت قیام آفابانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده کثیری برخاستند)

**نایب رئیس** - تصویب شد. آقای مصدق السلطنه

(اجازه)

(حاضر نبودند)

**نایب رئیس** - آقای تقی زاده

(اجازه)

**تقی زاده** - بنده میخواهم پیش از مطالب عرض کنم. چه مسائل متعارفی جاریه و چه مسائل اساسی که در مجلس شورای ملی مطرح میشود (متلاذرا ابتدای مجلس گفته شد که باید استعفای رئیس خوانده شود).

یکی گفت باید خوانده نشود و یکی گفت مقصود این است که فلان (شود) ما همه و کبیل و برادریم و از طرف ملت و کبیل شده ایم باید بگریم فرضی نداریم - خدا را شاهد بگیریم بنده که ندر این باب نرود و باب های دیگر با احدی از آفابان کلامه میخواهم احداث مشکل کرده باشم و نه می - خواهم جلوه از حزل را بگیرم.

اما بنده اینجا ایستادم می خواهم عرض کنم اگر آفابان اجازه بدهند و صلاح بدانند در مملکتهای دیگر بکوبند مجلس

ملی در این مملکت گفته میشود. مجلس شورای ملی در مجلس مشورت میشود در کار یکی اینطور بنظرش میرسد و یکی طور دیگر. هر دو صلاح و صرفه مملکت را میگویند.

ما هم آنچه بنظرمان میرسد میگوئیم. مطالب واضح است در خود اطراف کار نمی خواهم حرف بزنم در مملکت بجران پیدا شده.

بعضی ها میخواهند اینکار زودتر حل بشود و بعضی ها می خواهند فلان کار درست شود.

بنده اساساً ترجیح میدادم اگر آفابان عریض مرا قبول میکردند که این کار باین تمجیل و با این فوری هیچ نشود که خدای نکرده اسم فشار رویش گذاشته شود.

ما می دانیم همه ما با بموجب قانون اساسی امنیت داریم و دولت دولت امنیت است و ما باین دولت اینقدر معتقد و اینقدر غیر خواهی که داشته ایم بزرگترین دلیل شخصی بنده امنیتی است که ایجاد کرده و نه از کلاب و از تماشاچی یک فرد واحد پیدا نمیشود بکدر هزار یا یک در میلیون به بنده بگوید که من خیر خواهر دولت حالیه نیستم.

خدا را شاهد بگیریم الان که در اینجا حرف میزنم و پیش از اینکه حرف بزنم اشخاص منفرد - کبیل و اشخاص مشغول بمن گفتند حرف نزنید حرف زدن صلاح نیست برای اینکه خنجر دارد.

**اخگر** - اینطور نیست.

**تقی زاده** - بنده خودم میدانم که اینطور نیست.

بنده الان اینجا حرف میزنم - ظهر هم میروم منزل چهار میخروم عصر هم میروم و هیچ اینطور نیست. یک سال دیگر هم با این اشخاص کار میکنم با کمال محبت و فداکاری و خدا را شاهد بگیریم که این حرفی را که میگویم بعضی خیر خواهی مملکت و خیر خواهی همان شخصی است که در زمام امور مملکت را در دست دارد و من خیر او را میخواهم و از جان خود بیشتر ارزا میخواهم.

حالا شرح نمیدهم که اوضاع چه چیز است که یکی بگوید صحیح است یکی بگوید صحیح نیست ولی ترجیح میدادم که رجوع شود بیک کبیسیون.

چون ممکن است داخل بهتر و قانونی تری پیدا شود که هیچ خدشه و سوسه در کار نباشد.

ولی از قراریکه می شنوم این مقبول نخواهد شد مطابق قوانین اساسی مملکت نیست و مطابق صلاح مملکت هم نیست. بیشتر از این حرف زدن هم صلاح نیست. همه می دانند آنجا که عیان است چه حاجت ببیان است.

( آقای تقی زاده خارج شدند )

**نایب رئیس** - آقای علانی

(اجازه)

**علانی** - مخالفم.

**نایب رئیس** - بیس تامل بفرمایند. آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

**آقا سید یعقوب** - بنده خیلی میل داشتم که آقای تقی زاده تشریف نبرند و عریض بنده را بشنوند و حقیقتاً همانطور که بیان کردند بنده هم همین حسن عقیده را درباره ایشان دارم ولی مسئله را در این جا اظهار کردند که لازم است جواب عرض کنم.

این مسئله در همین مملکت که سابقه دارد و این سابقه در حقیقت بنزله یکی از مواد قانون اساسی برای اموال شده و الان بنده مراتباً بر عرض آفابان نمایندگان محترم میروم.

بعد از آنکه مجلس شورای ملی را توپ بستند و آن ترتیبی که میدانید پیش آمد و استبداد صغیر واقع شد که مجلس اول قانون اساسی و متمم آن نوشته شده و در جزو اول قانون اساسی نوشته شده بود نمایندگان مجلس شورای ملی باید دوست نفر باشند انتخاب هم بطور طبقاتی بود و بهمان ترتیبی که وکلای دوره اول که جزم امام عبدالعزیز را که عقیده بنده بهترین و کبیل بودند و بهترین خدمات را برای مملکت نمودند و این قانون اساسی را در مقابل قوه قاهمه و جبر و استبداد در برابرها نوشتند انتخاب شدند.

بنده حقیقتاً همیشه از زحمت و کلاهی آن دوره شکرگزار میگویم زیرا قانون اساسی را با نفوس نیت و بایک روح آزادی خواهی برای ما گرفته اند.

پس از آنکه مجلس توپ بسته شد و آزادی خواهان در تمام اقطار ایران منتشر شدند از مرکز و از آذربایجان از فارس و بالاخره از تمام مملکت صدای خواستن مشروطیت بلند شد تا اینکه خدا خواست و قوه ملی غلبه کرد و در برابرها ناچار شدند که در مقابل قوای ملی تسلیم شوند و مشروطیت را اعاده دهند.

نه این بود که مشروطیت را مفتی بنا دادند بلکه آزادی خواهان حبس شدند و استادگی کردند تا اینکه آنها را وادار کردند که مشروطیت را بدهند آنوقت گفتند که حاضریم مشروطیت بملت بهیم و همین آقای تقی زاده که در دوره اول یکی از نمایندگان میرزا ما بودند چه فریادها برای این قانون اساسی میزدند و چه کارها کردند که حالا ما بکدمشرا در این جا میخواهیم برداریم.

داد و فریاد های آقای تقی زاده در روزنامهجات پر است خلاصه در باغ شاه کبیسیون تشکیل شد و آن کبیسیون رجوع کرد به انجمن آذربایجان (که حالا

نمایند. محترم آقای داور میخواهند بطور مفصل بر عرض آفابان برسانند)

انجمن های ایالتی و ولایتی تمام نقاط اختیار دادند بانجمن ایالتی آذربایجان و انجمن ایالتی آذربایجان هم اختیار داد به کبیسیون که در اینجا تشکیل شده بود و چهار پنج ماده از مواد قانون اساسی را تغییر دادند.

بعضی از آن مواد راجع بان انتخابات بوده که بعقیده بنده خیلی مهم است زیرا آن مواد تأسیس حکومت ملی میکنند بنده حق حاکمیت ملت را در آن مواد قانون انتخابات میدانم.

غرض این است مواد راجع بان انتخابات را که پایه حکومت ملی بر آن است تغییر دادند بجه سابقه آنها را تغییر دادند؟ بواسطه اینکه چون در مملکت انقلاب شده بود و میخواستند بجوشش و انقلاب مملکت خاتمه بدهند.

لذا باین عنوان آمدند و این کار را کردند در دوره دوم ناصر الملک که نایب السلطنه وقت بود پیشنهاد کردند نمایندگان که برای دوره سوم انتخاب میشوند خوب است در مواردی از قانون اساسی که راجع بحکومت ملی است یک انگشتی ببرند بنده در اینجا میخواهم وارد برانتر بشوم و عرض کنم عقیده ناصر الملک این بوده که نمایندگان که می آیند باید شریک در این مسؤلیت باشند و نمایندگان باین حق منتخب شدند و آمدند و حاضر هم شدند که این مسئله را انجام دهند.

نهایت چنگ بین المللی و آن انقلابی که همه میدانند پیش آمد و یازده ماه بیشتر از هر مجلس نگذشت که مجلس تعطیل شد و آن انقلابات که همه میدانند پیش آمد و مجلس را خاتمه داد.

ما که صد سال نیست مشروطه شده ایم نهایت یازده سال است در این مدت یازده سال هم قانون اساسی باین سوابقی که می بینید واقع شده پس سابقه قانونی در دست داریم در دوره اول که هیئت موسسان بود و خیلی خوب هیئتی هم بوده و از میرزین ایران هم بودند و بسیار زحمت کشیدند.

در دوره دوم آمدند و مواد قانون اساسی که راجع بان انتخابات و حق حکومت و سلطنت ملی بوده و انتخابات را که بطور طبقاتی بوده تغییر دادند و بطور درجه کردند بآن شکلی که همه میدانند واقع شد.

امروز هم همین طور است. آتش را بقدردن میشود در تحت خاکستر مستور کرد این آتش است که از تمام نقاط سر بر بردارده است و در کانون آزادی خواهان از آنوقتی که با مشروطیت گذاشته اند شعله کشیده و از اول داد و فریاد همه همین بود بنده که بصدیق خود آقای مدرس

یکی از انقلابی های درجه اول بود از همان اول هم فریاد میزد که باید خاتمه داد باین خانواده زیرا برای کار تازه مرد تازه لازم است.

شاهزاده سلیمان میرزا و اشخاص دیگری هم هستند که در مشروطیت پیشقدم بودند باینده رفتیم و آن چراغانی و آتش بازی را هم بهم زدیم.

غرض اینست که از همان اول عقیده ما این بوده که این درخت خشکیده است و باید او را کند و درخت پر روندی بجای آن غرس کرد که آن درخت پر رونده سایه افکن بشود و ملت از آن استفاده کنند.

این چیزی بود که بنظر ماها که فرتک نرفته بودیم و در اینجا تصیل کرده بودیم میرسد و عقیده داشتیم که این درخت خشکیده باید آنرا کند و نهال تازه بجای آن کاشت منتهی ما چون مشرق زمینی و یک ملت انگالی هستیم از این جهت مسئله را از امروز بفرادا و از فردا به پس فردا میاندازیم.

مسئله همین طور بوده تا دو سال قبل تاریخ آزادی خواهان ایران و انقلاب ایران را نگاه کنید و ملاحظه کنید کدام آزادی خواه و انقلابی در مملکت بوده که سعادت ایران علاقه مند بوده و عقیده نداشت که این درخت را باید کند؟

مرحوم آقا سید جمال الدین افغانی که رئیس الاحرار است و مرحوم میرزا آقاخان کرمانی و دیگران که از ترشحات قلم آنها این همه مردم بیدار و هشیار شده اند همه داد و فریاد میزدند که چاره نیست و ملتی که میخواهد زندگی کند باید حیات تازه پیدا کند و برای نیل سعادت و پیدا کردن حیات تازه ناچار است که درخت کهنه را بکند و دور اندازد.

نظر باین مسئله از همه جا آتش بلند شد تا اینکه الان از تمام مملکت سر بر بر آورده از آذربایجان و از فارس از کرمان از کیلان از معمره و طهران از همه جا آتش بلند است مگر نمی بینید چه خبر است حکومت با خود ملت و تعیین سلطنت با ملت است.

اولین وظیفه مجلس خانه وادان بانقلاب است. کجا این مسئله برخلاف قانون اساسی است؟ بهترین قهسی که مجلس میخواهد بردارد همین است که بانقلابات که امروزه در تمام مملکت هست خاتمه دهد و سعادت ملت را تأمین کند.

پس در جواب فرمایش آقای تقی زاده که می فرمایند این مسئله برخلاف قانون اساسی است باینکه نهایت عقیده را بایشان دارم لازم است عرض کنم که این خلاف قانون اساسی نیست بلکه حق قانون است.

**نایب رئیس** - آقای علانی

(اجازه)

**علانی** - آقایان همه میدانند که بنده شهوت کلام ندارم و ماجراجو هم نیستم و حتی المقصود میل دارم که قضایا بحدود سردی گذشته باشد ولی در همین حال وجدان بکنفر و کبیل هیچ اجازه نمیدهم که در مقابل یک جریانات خلاف قانونی سکوت اختیار کرده و تسلیم قضایا و حوادث شود.

بنده بطور واقع و مختصر عرض می کنم که ماها هیچ اختیار نداریم که وارد در این مذاکره و طرح این مسئله بشویم زیرا رأی دادن به هیچو طرحی را بنده بکلی مخالف قانون اساسی که محافظت آن هستیم میدانم و قطع نظر از اینکه مخالف قانون میدانم این پیشنهاد مخالف صلاح مملکت هم میدانم زیرا یک بسابی مفتوح خواهد شد که برای مملکت مضر خواهد بود.

( آقای علانی از مجلس خارج شدند )

**نایب رئیس** - آقای یاسانی

(اجازه)

**یاسانی** - از آفابانی که در اینجا اظهار مخالفت نسبت باین طرح کردند همچو استنباط شد که ناظر هستند بحفظ قانون اساسی بنده خیلی میل داشتم که آقای علانی تشریف میداشتند و جواب بنده را می شنیدند حالام که تشریف نداشتند البته بگوششان خواهد رسید بنده از سوابق قانون اساسی درست اطلاع ندارم که به چه طور تمسین شده و اشخاصی که تمسین کرده اند چه جنبه ای داشته اند.

ولی بهر حال حالا در نزد ما قانون مقدسی است چیزی که هست این است که در ادوار گذشته مجلس شورای ملی یک قسمت از مواد آن را بموجب قانونی که از مجلس گذرانده است نقض کرده و حالا بنده آن مواد را میخواهم که آفابان بدانند که این یک سابقه نیست که حالا میخواهیم بگذرانیم.

اصل چهار قانون اساسی است که بنده میخواهم.

(عده انتخاب شوندگان به موجب انتخاب نامه هیئعه از برای طهران و ایالات قلا یکصد و شصت و دو نفر تمسین شده است)

بنابر این چه شده است که در قانون انتخابات ۱۳۶ نفر تمسین میشود بنده این را از آفابان سؤال میکنم که چرا اینطور شده؟

با اینکه در اصل چهارم قانون اساسی تصریح شده که عده نمایندگان صد و شصت و دو نفر است و لدی الا تقاضا بدست نفر هم می رسد معدنک صد و سی و شش نفر تمسین شده.

اصل ششم میگوید:

( منتخبین تهران لدی العضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه و

مذاکره میشوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات با کثرت مناط اعتبار و اجراء است)

این ماده کمی اجرا شده؟ عملی هم نیست که دوازده نفر وکلای تهران بیایند و بنشینند و مقدرات مملکت را در دست بگیرند.

در غیبت منتخبین ولایات کمی عملی واقع میشود بلکه امروزه بر خلاف آن عمل میشود زیرا گفته میشود تا نصف بملازه یک از وکلا حاضر نشوند مجلس رسمیت ندارد. پس بنده میخواهم عرض کنم که این مواد را به موجب قانون بعد نقض کرده اند و این ماده وجود خارجی ندارد یعنی قانون بعد آمده او را نقض کرده است. و در این موضوع هم نظری به از بین بردن قانون اساسی نداریم.

از این جهت پیشنهاد کرده ایم که مجلس مؤسسانی تشکیل شود و راجع به سه چهار ماده که در خصوص حقوق سلطنت است تجدید نظر کند و تکلیف حکومت قطعی مملکت را در آتیه تمسین کند و تصور می کند تکرانی آفابان مخالفین هم اینقدر هامورد ندارد.

زیرا مجلس مؤسسان ناچار از اشخاصی انتخاب خواهد شد که دارای حسن وطن پرستی خواهند بود و معلوم نیست حسن وطن پرستی کسانی که برای آتیه انتخاب میشوند کمتر از آفابان حاضر باشد.

البته اگر ما بتوانیم موادی که در قانون اساسی هست و عملی نشده است آنها را هم اختیار بدهیم به مجلس مؤسسان که در آنها تجدید نظر بکنند بنظر بنده بسمادت مملکت نزدیکتر است.

مثلا موادی در این قانون راجع به دیوان معاسیات هست که عملی نشده و در قانون عادی که بعد وضع شده برخلاف آن رفتار شده و آن ماده قانون اساسی عملاً ملتی شده.

همینطور در ماده که میگوید:

« دوره وکالت در سال است »

چه ضرر دارد حالا که مجلس مؤسسان تشکیل میشود این مواد را تغییر بدهند. این عقیده بنده است.

چشمی از نمایندگان - خیر این مواد ملتی نشده است.

یاسانی - بهر حال بنظر بنده اشکالی ندارد که در این مواد هم تجدید نظری بشود. حالام این یک طرحی است که آفابان پیشنهاد کرده اند و بنده هم امضا کرده ام.

**نایب رئیس** - آقای داور

(اجازه)

**داور** - موافقم.

**نایب رئیس** - آقای اخگر

(اجازه)

مذاکره میشوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات با کثرت مناط اعتبار و اجراء است)

این ماده کمی اجرا شده؟ عملی هم نیست که دوازده نفر وکلای تهران بیایند و بنشینند و مقدرات مملکت را در دست بگیرند.

در غیبت منتخبین ولایات کمی عملی واقع میشود بلکه امروزه بر خلاف آن عمل میشود زیرا گفته میشود تا نصف بملازه یک از وکلا حاضر نشوند مجلس رسمیت ندارد. پس بنده میخواهم عرض کنم که این مواد را به موجب قانون بعد نقض کرده اند و این ماده وجود خارجی ندارد یعنی قانون بعد آمده او را نقض کرده است. و در این موضوع هم نظری به از بین بردن قانون اساسی نداریم.

از این جهت پیشنهاد کرده ایم که مجلس مؤسسانی تشکیل شود و راجع به سه چهار ماده که در خصوص حقوق سلطنت است تجدید نظر کند و تکلیف حکومت قطعی مملکت را در آتیه تمسین کند و تصور می کند تکرانی آفابان مخالفین هم اینقدر هامورد ندارد.

زیرا مجلس مؤسسان ناچار از اشخاصی انتخاب خواهد شد که دارای حسن وطن پرستی خواهند بود و معلوم نیست حسن وطن پرستی کسانی که برای آتیه انتخاب میشوند کمتر از آفابان حاضر باشد.

البته اگر ما بتوانیم موادی که در قانون اساسی هست و عملی نشده است آنها را هم اختیار بدهیم به مجلس مؤسسان که در آنها تجدید نظر بکنند بنظر بنده بسمادت مملکت نزدیکتر است.

مثلا موادی در این قانون راجع به دیوان معاسیات هست که عملی نشده و در قانون عادی که بعد وضع شده برخلاف آن رفتار شده و آن ماده قانون اساسی عملاً ملتی شده.

همینطور در ماده که میگوید:

« دوره وکالت در سال است »

چه ضرر دارد حالا که مجلس مؤسسان تشکیل میشود این مواد را تغییر بدهند. این عقیده بنده است.

چشمی از نمایندگان - خیر این مواد ملتی نشده است.

یاسانی - بهر حال بنظر بنده اشکالی ندارد که در این مواد هم تجدید نظری بشود. حالام این یک طرحی است که آفابان پیشنهاد کرده اند و بنده هم امضا کرده ام.

**نایب رئیس** - آقای داور

(اجازه)

**داور** - موافقم.

**نایب رئیس** - آقای اخگر

(اجازه)

اخگر - موافق  
 نایب رئیس - آقای نظامی (اجازه)  
 نظامی - موافق  
 نایب رئیس - آقای سهرابزاده (اجازه)  
 سهراب زاده - موافق  
 نایب رئیس - آقای دادگر (اجازه)  
 دادگر - بنده هم موافق  
 نایب رئیس - آقای افشار (اجازه)  
 افشار - موافق پس از یک مخالف  
 نایب رئیس - آقای دست غیب (اجازه)  
 دست غیب - بنده هم موافق  
 نایب رئیس - آقای دکتر محمد خان مصدق (اجازه)  
 دکتر محمد خان مصدق - بنده در سال گذشته در حضور آقایان محترم بکلام الله مجید قسم یاد کردم که بمملکت و ملت خیانت نکنم  
 آنستانی که قسم خوردم مسلمان بودم و حالاهم مسلمان هستم و از آقایان نمیدانم وقتی که اینطور شد بنده منافعی او با احترام این فرآن برخیزند  
 ( در این موقع کلام الله مجید را از قبل خود بیرون آورده و حضار قیام نمودند )  
 در حضور همه آقایان بنده شهادت خود را می گویم  
 اشهدان لا اله الا الله اشهد ان محمدا رسول الله اشهدان علیا ولی الله من شخصی بودم مسلمان و باین کلام قسم یاد کرده ام و این ساعت هم این کلام الله خصم من باشد اگر در عقیده خود یک اختلاف و تفاوتی حاصل کرده باشم  
 من همان بودم که هستم و امروز هم اگر یک چیزی بر خلاف مصالح مملکت بعقل ناقص خود به بینم خود را ناچار میدانم که برای حفظ مملکت و حفظ قومیت و بقای اسلامیت از اظهار عقیده خود داری نکنم  
 بنده همه آقایانی را که در اینجا تشریف دارند غیر از آقایانی که از ملل متنوع هستند همه را مسلمان و هواخواه مملکت و طرفدار اصلاحات می دانم و خود هم نمیتوانم از اظهار عقیده خودداری کنم آقایان میدانند که بنده حرق اروزی عقیده است و هیچوقت تابع هوا و هوس و نظریات شخصی نیست  
 امروز هم روزی نیست که کسی در اینجا نظریات شخصی بفرج بدهد و اگر کسی پیدا شود که نظریات مملکتی و ملی و اسلامی خود را اظهار نکند بنده ادرایت و بی شرفی و ستمی قتل میدانم  
 اول لازمست که بنده یک عقیده نسبت بشخص آقای رئیس الوزراه اظهار کنم بعد نسبت بسلاطین قاجار و بعد هم عقیده

خود را درباره اصول قانون اساسی عرض کنم  
 اول اراجح بسلاطین قاجار بنده عرض میکنم که کاملاً از آنها مایوس هستم زیرا آنها در این مملکت خدمانی نکرده اند که بنده بتوانم اینجا از آنها دفاع کنم و گمان هم نمیکند کسی منکر این باشد  
 همین سلطان احمد شاه قاجار بنده را در فارس گرفتار ۳ هزار پانصد نفر پلیس جنوب کرد و پس از آنکه من استعفا دارم بعد از بیست و هفت روز نوشت که بتصویب جناب رئیس الوزراه آقای سید ضیاء الدین استعفای شما را قبول کردم و فوری بطرف طهران حرکت کنید  
 مقصودش این بوده که من بیایم به طهران و مرا آقا سید ضیاء الدین بگیرد حبس کند  
 بنده مدافع اینطور اشخاص نیستم  
 بنده مدافع اشخاصی که برای وطن خودشان کار نکنند و جرات و جسارت حفظ مملکتشان را نداشته باشند و در موقع خوب از مملکت استفاده نکنند و در موقع بد از مملکت غایب بشوند نیستم اگر دوست حقیقی و قوم خویش خودم هم باشد یا از آن بالاتر هم نباشد وقتی که اینطور شد بنده منافعی او نیستم  
 اما نسبت به آقای رضا خان پهلوی بنده نسبت بشخص ایشان عقیده مند هستم و اذاعت دارم و خودشان میدانند که در هر موقع آنچه ایشان عرض کردند در خیر ایشان و صلاح مملکت بود و خودشان هم تصدیق عرایض بنده را فرموده اند این که در حضور من فرموده باشند بلکه اشخاصی که با ایشان خیلی مربوط بوده اند با آنها فرموده اند ایشان یک مقامی دارند که از من و امثال من هیچ ملاحظه ندارند و اگر یک فرمایشی بخواهند در دنیا من بفرمایند در حضور من هم ممکن است بفرمایند ولی احتیاطاً عرض می کنم آن اشخاصی که فرمایشات ایشان را بمن فرموده اند حکایت از این میکنند که خودشان هم دانسته اند که عرایضی که من عرض کردم از روی نظریات شخصی نبود مبنی بر مصالح مملکت و ملت خواهی بوده است و از این حیث ایشان به بنده معتقدند  
 اما این که ایشان یک خدمانی بمملکت کرده اند گمان نمیکند برای آدمی پوشیده باشد وضعیت این مملکت و وضعیتی بوده که همه می دانیم که اگر کسی میخواست مسافرت بکند اطمینان نداشت با او کسی مالک بوده امنیت نداشت و اگر یک دهی داشت یا بیستی چند نفر فتیله جی داشته باشد تا بتواند محصول خودش را حفظ کند ولی ایشان از وقتی که زمام امور مملکت را در دست گرفته اند یک خدمانی نسبت با امنیت مملکت کرده که گمان نمیکند بر

کسی مستور باشد  
 البته بنده برای حفظ خودم و خانه و کسان و خویشان خود مشتاق و مایل هستم که شخص رئیس الوزراه رضاخان پهلوی زمامدار این مملکت باشد برای اینکه من بکنفر آدمی هستم که در این مملکت امنیت و آسایش می خواهم و در حقیقت از روی وجود ایشان مادر طرف این دو سال اینطور چیزها را داشته ایم و اوقاتمان صرف خیر عمومی و منافع عامه شده و هیچوقت مادر چیزهای خصوصی وارد نشده ایم و بسم الله از برکت وجود ایشان خیالمان راحت شده و میخواهیم یک کارهای اساسی بکنیم این هم راجع به آقای رئیس الوزراه اما راجع باین موضوع بنده باید عقیده خودم را عرض کنم  
 تغییر قانون اساسی یک تجدید نظر در قانون اساسی دو جنبه دارد یکی جنبه داخلی که باید فهمید تغییر قانون اساسی نسبت با مورد داخلی چه اثری میکند یکی هم جنبه خارجی که باید دید نسبت با مورد خارجی و روابط بین المللی چه اثری خواهد داشت  
 اما نسبت بجنبه داخلی اگر آدمی بگویم خانواد قاجاریه بد است بسیار خوب هیچ کسی منکر نیست و باید تغییر کند  
 البته امروز کاندیدای مسلم با شخص آقای رئیس الوزراه است خوب آقای رئیس الوزراه سلطان میشوند و مقام سلطنت را اشغال میکنند آیا امروز در قرن بیستم هیچ کس میتواند بگوید یک مملکتی که مشروطه است پادشاهش هم مسئول است اگر ما این حرف را بزنیم آقایان همه تحصیل کرده و درس خوانده و دارای دیدیم هستند ایشان پادشاه مملکت میشوند آنها پادشاه مسئول هیچ کس هم جز حرف نمی تواند بزند و اگر سیر قهرمانی بکنم و بگویم پادشاه است رئیس الوزراه و حاکم و همه چیز است این ارتجاع و استبداد صرف است  
 ما میگوئیم که سلاطین قاجاریه بد بوده اند مخالف آزادی بوده اند مرتجع بوده اند خوب حال آقای رئیس الوزراه پادشاه شد اگر مسئول شد که ما سیر قهرمانی میکنیم  
 امروز مملکت ما بعد از بیست سال و این همه خونریزیها میخواهد سیر قهرمانی بکند و مثل زنگبار بشود که گمان نمیکند در زنگبار هم اینطور باشد که یک شخص هم پادشاه باشد و هم مسئول مملکت باشد اگر گفتیم که ایشان پادشاه و مسئول نیستند آنوقت خیانت بمملکت کرده ایم برای اینکه ایشان در این مقامی که هستند مؤثر هستند کار می توانند بکنند در مملکت مشروطه رئیس الوزراه مهم است نه پادشاه پادشاه فقط می تواند بواسطه رای عدم اعتماد مجلس یک

رئیس الوزرائی را بفرستد که در خانه اش بنشیند  
 یا بواسطه تمایل مجلس یک رئیس الوزرائی را بکار دیگر مارد خوب اگر ما قائل شویم که آقای رئیس الوزراه پادشاه بشوند کار کند و خدمت کند و بتواند نظریات غیر خواهانه ایشان را تعقیب کند کی است  
 اگر چنین کسی را آقای سید یعقوب بنده نشان بدهند بنده نوکر شا چاکر شای مطیع شما هستم من که در این مملکت هم چو کسی سراغ ندارم و اگر بود تا حالا سردر آورده بود پس امروز که این بکنفر از بین تمام مردم سردر آورده و اظهار ملیت میکند و خدمانی هم کرده است بنده به عقیده خودم خیانت صرف می دانم که شما یک وجود مؤثری را بالاتر بکنید  
 پس خوبست یک کسی که بتواند قائم مقام او بشود معلوم کنید بعد این کار را بکنید اول جاه را بکنید بعد منار را بزدید  
 این نسبت با مورد داخلی مملکت اما نسبت با مورد خارجی  
 البته در امور خصوصی اگر یک اشخاصی یک کارهایی کردند و یک زحمانی کشیدند اگر اشخاصی یک کارهای می کردند آن را مفت و مسلم از دست ندهند البته در مجلس یک اشخاصی هستند که تجارت کرده باشند و اشخاصی هم که تجارت نکرده باشند میدانند وقتی که یک تجاری بکند تا خانه خودش را بی یک اسم معروف کرد یا یک علامت صنعتی داشت که همه او را شناختند این تاجر آن اسم را تغییر نمیدهد برای این که آن اسم سبب شده است که مردم به آن اعتماد داشته باشند  
 بنده من باب مثال عرض میکنم که در اینجا یک دواخانه بود معروف به شورین که خوب دوا می ساخت بعد از آنکه شورین آن دواخانه را فروخت و از این مملکت رفت و آن کسی که قائم مقام او شد اسم دواخانه را تغییر نداد چرا برای اینکه مشتریان این دواخانه بدان اسم اعتماد داشتند  
 اگر این شخص میگفت که دواخانه من دواخانه بیاطی است شاید مشتریان از بین می رفتند ولی یک چندی که گذشت و مردم با این دواخانه داد و ستد کردند دیدند که بیاطی هم مثل شورین است آن وقت اسسش را عوض کرد و دواخانه بیاطی گذاشت  
 قانون اساسی ما از علامت صنعتی و اسم یک دارالتجاری کمتر نیست  
 قانون اساسی ما باینکه عواذی تصادف و مقابلی کرده که این حوادث در یک قرن در این مملکت پیدا شده است

اگر شما یک کاندیدائی دارید کسی را پیش من بگردید بفرمایید ما هم بینیم بعد از آنکه ایشان شاه غیر مسئول شدند آن رئیس الوزرائی که مثل ایشان بتوانند کار کنند و خدمت کنند و بتواند نظریات غیر خواهانه ایشان را تعقیب کند کی است  
 اگر چنین کسی را آقای سید یعقوب بنده نشان بدهند بنده نوکر شا چاکر شای مطیع شما هستم من که در این مملکت هم چو کسی سراغ ندارم و اگر بود تا حالا سردر آورده بود پس امروز که این بکنفر از بین تمام مردم سردر آورده و اظهار ملیت میکند و خدمانی هم کرده است بنده به عقیده خودم خیانت صرف می دانم که شما یک وجود مؤثری را بالاتر بکنید  
 این نسبت با مورد داخلی مملکت اما نسبت با مورد خارجی  
 البته در امور خصوصی اگر یک اشخاصی یک کارهایی کردند و یک زحمانی کشیدند اگر اشخاصی یک کارهای می کردند آن را مفت و مسلم از دست ندهند البته در مجلس یک اشخاصی هستند که تجارت کرده باشند و اشخاصی هم که تجارت نکرده باشند میدانند وقتی که یک تجاری بکند تا خانه خودش را بی یک اسم معروف کرد یا یک علامت صنعتی داشت که همه او را شناختند این تاجر آن اسم را تغییر نمیدهد برای این که آن اسم سبب شده است که مردم به آن اعتماد داشته باشند  
 بنده من باب مثال عرض میکنم که در اینجا یک دواخانه بود معروف به شورین که خوب دوا می ساخت بعد از آنکه شورین آن دواخانه را فروخت و از این مملکت رفت و آن کسی که قائم مقام او شد اسم دواخانه را تغییر نداد چرا برای اینکه مشتریان این دواخانه بدان اسم اعتماد داشتند  
 اگر این شخص میگفت که دواخانه من دواخانه بیاطی است شاید مشتریان از بین می رفتند ولی یک چندی که گذشت و مردم با این دواخانه داد و ستد کردند دیدند که بیاطی هم مثل شورین است آن وقت اسسش را عوض کرد و دواخانه بیاطی گذاشت  
 قانون اساسی ما از علامت صنعتی و اسم یک دارالتجاری کمتر نیست  
 قانون اساسی ما باینکه عواذی تصادف و مقابلی کرده که این حوادث در یک قرن در این مملکت پیدا شده است

قانون اساسی ما وقتی باین حوادث مقاومت کرده و خودش را معروف جامعه ملل کرد اصولی را داراست که بموجب آن اصول تمام ملل اروپا میدانند که قانون اساسی یک اموری را به مجلس حق میدهد و همه مردم میدانند اگر یک دولتی پیدا شود و یک عهدنامه به بنده دادن عهدنامه بموجب اصل ۳۴ قانون اساسی که میگوید  
 (ستن عهدنامه ها و مقاول نامه ها اعطای امتیازات (انتصاری) تجاری و صنعتی و فلاحی و غیره اهم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهدنامه های که استثناء آنها صلاح دولت میباشد)  
 همه مردم میدانند یعنی جامعه ملل میدانند که باید بتصویب مجلس باشد و هم چنین اصل ۲۵ که میگوید (استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد این را همه خوانده اند و فهمیده اند اصل ۳۶ راه که میگوید ساختن راههای آهن یا شوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کمیانی اهم از داخله و خارجه معوطه بتصویب مجلس شورای ملی است همه میدانند قانون اساسی یک اصول را داراست و یک معارفی پیدا کرده است که این معارف را بنده گمان نمیکند در هر موقعی برای هر قانونی پیدا شود یعنی غالباً باینکه شکلاتی تصادف کرده و حتی آن اشخاصی که میخواهند با ما یک معامله بکنند باینکه اصل قانون اساسی که رسیده اند دیده اند که یک قانون اساسی است و یک مجلس و یک تصویب هم برای مجلس لازمست  
 بنابراین این قانون اساسی یک اصولی دارد که بواسطه معرفتیش عقیده بنده حتی المقدور تا یک قضیه حیاتی و مهمی پیدا نشود ناپستی تغییر داد مگر با بودن یک شرائطی که لازم برای تغییر قانون اساسی است خدا یا توشاهد باش من خدا را بشهادت می طلبم که عقیده ام را می گویم و تغییر قانون اساسی را مخالف با مصالح مملکت و اسلامیت می دانم  
 قانون اساسی را هر آدم مسلمان و هر آدم وطنخواهی و هر آدمی که بشخص رضاخان پهلوی ارادت مند است و عقیده دارد باید برای صلاح و نفع مملکت حفظ کند اگر قانون اساسی متزلزل شد مملکت یک خرابی بیمنت که مطلوب نباشد آنوقت رضاخان پهلوی هم هر گونه حکومتی را دارا باشد مطلوب نیست  
 بنده قانون اساسی را یک قانون الهی میدانم که قابل تغییر نباشد بلکه قانون اساسی را کاربشری می دانم و بشر هم او را باید تغییر بدهد ولی وقتی یک ضرورت تامی پیدا کند و تمام معایب و ماندنش منجبه

شود و عجله در کار نباشد و باشخصی که خیر خواه مملکت هستند مشورت شود ولی نه یک عجله و شتابی که امروز اگر این شجره خبیثه بیخ نشود مملکت فلان میشود  
 این را بنده ضروری و فوری میدانم حالا بنده هم مگوبه ضروری است ولی فوری میدانم که شما یک قانون اساسی را که در مواقع استقلال ما را حفظ میکند و یک قانون اساسی که اسلامیت و قومیت ما را حفظ می کند امروز که هزار طور ایراد هست تغییر بدهند  
 بنده که صلاح میدانم و البته آقایان محترم هم مقصودشان این نیست که یک مواد قانون اساسی را بدهند که در سیاست بین الملل مؤثر باشد ولی عرض کنم که این طور تغییر ماده قانون اساسی یک سابقه میشود که قانون اساسی را بکام دست و میزبان میکنند که هر ساعت یک نفر اجازه کرد باید این اصولی را که بنده برای شما خواندم این اصولی که همه خبر ما را تا این می کنند تغییر بدهند در صورتی که مجلس رئیس نداشته باشد و یک وکلای بدون فکری فکر نکرده باشند اینجا رأی بدهند که ما می خواهیم قانون اساسی را تغییر بدهیم  
 قانون اساسی یک چیزی نیست که یک کسی از نوبی خانه اش بیاید و بگوید من خواهم قانون اساسی را تغییر بدهم قانون اساسی را باید فکر کرد و دید چه طور باید تغییر داد و چه چیز را میخواهد تغییر بدهد و در چه موقع میخواهد تغییر بدهد بنده عرض کردم شما که میخواهید آقای رئیس الوزراه را شاه بکنید ایشان یک وجود مؤثری هستند که می خواهند بالاتر بکشند خدا یا ترا بشهادت می طلبم که آنچه گفتیم عقیده خود بود و این در خیر مملکت است مگر اینکه یک کسی پیدا شود و بگوید فکر من سیاست من بدرجه قوی و عالی است که تمام مردم و کلاه باید تابع نظر و فکر سیاست من بشوند و چون من تشخیص میدهم که این پیشنهاد مخالف مصالح مملکتست تمام مردم مملکت و کلاه هر کس است نسبت به مقنن و هفت نفر که بکند مثلاً که حافظ حقوق ملت بوده امضای کرده اند گفتند بی فکر و بطور مشروطه که مقنن در وقت نظر بر او فکر باشد بنده خواستم عرض کنم که ایشان یک عبارتی بیان کردند که خارج از انزاکت بود و مطابق نظامنامه باید توضیح بدهند  
 نایب رئیس - آقای داور (اجازه)  
 داور - بنده میخواهم اظهار تاسف بکنم از این مسئله که آقای دکتر مصدق در اینجا تشریف ندارند که جوابهای بنده

را بشنوند ایشان یک دلائلی بنظرشان رسید و گفتند از برای اینکه ذهن آقایان را متوجه کرده باشند بنده هم این جوابها را برای آقایان عرض بکنم  
 قبل از ورود در صحبت ایشان بنده لازم دیدم که یک مختصر حاشیه راجع به مذاکره یکی از رفقای محترم خودتان آقای یاسائی بکنم  
 ایشان گویا در ضمن نطقشان اظهار کردند که این اولین مرتبه نیست که در قانون اساسی تغییر داده میشود بنده خیال میکنم که مقصود ایشان هم اینطور نبوده است که این کاری که ما میکنیم واقعاً یک نق قانون اساسی است و آنرا قسمتهائی که ذکر کردند بنده درش داخل نمیشود  
 فقط میخواستم این را عرض کنم که یک سوء تفاهمی نشود آقای دکتر مصدق در هر کدام از آنکه های صحبت ها بشان قسمی خوردند و بعد گفتند که من مسلمانم و وطن خودم را دوست دارم  
 بنده در قسم عرض میکنم که مسلمانم و گمان میکنم آقایانی هم که این ورقه را امضاء کرده اند در اینکه مسلمان هستند بنده خودشان شکی ندارند دیگران بعضی از نمایندگان صحیحست داور - تمام گفتگوی ایشان در قسمت اول راجع باین بود که من بر خلاف مصالح مملکت نمخواهم رای بدهم البته هیچ و کبلی نباید حاضر شود که بر خلاف مملکت رای بدهد منتهی تمام صحبت در تشخیص است ایشان ممکن است همچو تشخیص بدهد که یک چنین پیشنهادی بر خلاف مصالح مملکتست و بنده هم خدا را شاهد می گیرم و عرض میکنم که این تغییر و این پیشنهاد موافق مصالح مملکت است مگر اینکه یک کسی پیدا شود و بگوید فکر من سیاست من بدرجه قوی و عالی است که تمام مردم و کلاه باید تابع نظر و فکر سیاست من بشوند و چون من تشخیص میدهم که این پیشنهاد مخالف مصالح مملکتست تمام مردم مملکت و کلاه هر کس است نسبت به مقنن و هفت نفر که بکند مثلاً که حافظ حقوق ملت بوده امضای کرده اند گفتند بی فکر و بطور مشروطه که مقنن در وقت نظر بر او فکر باشد بنده خواستم عرض کنم که ایشان یک عبارتی بیان کردند که خارج از انزاکت بود و مطابق نظامنامه باید توضیح بدهند  
 نایب رئیس - آقای داور (اجازه)  
 داور - بنده میخواهم اظهار تاسف بکنم از این مسئله که آقای دکتر مصدق در اینجا تشریف ندارند که جوابهای بنده

ایشان موضوع با هیچ وارد نشود ولی دریا به محکم در مذاکرات ایشان پیدا شد گفته اند (از نقطه نظر داخلی و خارجی) بنده در این قسمت میخواهم چند کلمه جواب عرض کنم .

فرمودند شما میخواهید بیایید این خانوای را بردارید و آقای بهلوی را شاه کنید اولاً بنده نمیدانم در یک پیشنهادی که هفتاد امضا دارد این مسئله را از کجا پیدا کردند و بنده چون راجع به این پیشنهاد صحبت میکنم عرض میکنم در این پیشنهاد ابتدا گفتگوی شاه کردن ایشان نبود بلکه حل قضیه و ترتیب این کار و گذارنده است بیک مجلس که مجلس موسسان است

بلکه نکته را ایشان فرمودند که اساساً صحیح بود .

فرمودند خوب وقتی که ایشان شاه شدند بایستی مسئول باشند یا نباشند اگر مسئول نباشند که این خیانت بمملکت است

عالم گذاشته شد و تشخیص هم بدهد که چطور باید اینکار را کرده هر قدر که قانوناً غیر مسئول باشد حکماً در عمل متناهی درجه اثر را خواهد داشت

در خارج کتبی راجع بخیلی از قضایای سیاسی بین المللی نوشته شده است از جمله اینکه فلان سلیجان که در فلان مملکت بوده است وقتیکه او آمده است سر کار این مسائل پیش آمده است و وجود مؤثر او بوده است نتوانسته است اینکارها را بکند خلاصه این در صورتیست که بفرمایند اگر ایشان شاه شوند و بدون مسئولیت جواب این بوده که عرض کردم .

حالا اگر ایشان یک شاهی باشند موافق قوانین ملل متدینه و بطوریکه مشروطیت ایران تصویب کرده در این صورت اگر چه قانون صادر از غیر مسئول قرار میدهد ولی در عمل تماماً وجود آدم لایق و نالایق تفاوت دارد

و اختیار از طرف مات داشته باشد و تکلیف قطعی را همین کند که آقایان بهلوی یا شخص دیگری باین مقام رسد

اگر حرفی در این موضوع باید زده شود باید در مجلس مؤسسان آنروز بکند اگر یک کسی پیدا شد که در آن مجلس آقای بهلوی را کندید کرد آنوقت آقای دکتر مصدق یا کسی دیگر اگر آنجا بود باید بگوید که این بد است که ایشان هم شاه باشند هم مسئول هم وزیر و بالاخره تمام این صحبت هائی که فرمودند آن روز وقتش است و امروز وقتش نیست

حالا میرسیم بقسمت خارجی و بنده تصور میکنم که اگر بقانون انتخابات و بسایر رجوع میکردند و اگر بنطاق آقای سید یعقوب هم که در اول مجلس تذکر دادند مراجعه میکردند و البته در خاطرشان هست که این قانون اساسی را یک مرتبه دیگر در باغشاه هدای آمده اند نشنند و تقریری دادند و آن اشخاص مردمی بودند که مصلحت مملکت را اینطور تشخیص دادند و در آنروز آقای مشیرالدوله و آقای مؤمن الملک و آقای مستوفی الملک که امضاهاشان الان هست وقتی که نشنند نوشته که نظر بپاره از منتقبات جمعی از خبر خواهان گفته که قانون انتخابات باید تغییر بکند و این با چهار اصل از قانون اساسی مغایرت داشت به این جهت ما مدیم و رجوع کردیم به آنچه در آنروز و بالاخره آن روزی که این کار را کردند یک تغییر مهمتری در قانون اساسی داده شد .

ملت بودند کجا دست زدند؟ در باغ شاه؟ کی؟ بعد از توب بستان به همین مجلس پس چطور شد آن روز هیچ خطری بهشان نرسید؟

چطور شد که امروز ما میخواهیم حقوق یک خانواده را (که بدن استثناء هیچکس نیست که بگوید من طرفدارم) از دستشان بگیریم آنوقت اصل راجع به خارجه را باید پیش آورده؟

حقوق خارجه بر جای خودش هست و بقیه دارم تا وقتی که ایران بکلی از شرافت بی بهره نشده .

نمیگویم ده نفر یا بیست نفر تا وقتی که ایرانی بکلی از شرافت بی بهره نشده است به آن اصلی که قراردادها و موافقات را هر کول میکند تصویب مجلس هیچکس پیدا نمیشود که جرئت کند به آن اصل دست بزند .

جمعی از نمایندگان صحیح است داور - پس در اینصورت لازم نیست که ما بیاییم و برای دفاع از یک خانواده که بی ایمنی آنها تصدیق میکنیم وارد شویم و قضیه را بخونسردی تلقی کنیم و بنا بر این بنده تصور میکنم آنچه باید در این موضوع گفته شود گفته شده و بیشتر از اینهم مذاکرات لازم نیست .

نایب رئیس - آقای دولت آبادی

کند و از حدود خودتان هم خارج نشوید (صدای نیک ناپرس)

نظم مجلس هم پاینده نیست اگر با بنده بود می دانستم چطور نظم بدهم عرض میکنم روزی که ماده ۳۶ در این اطابق اخیر مطرح شد مادرتت فشاری واقع شده بودیم که اسم آن را بیشتر میشود فشار گذاشت تا اینکه حالا هست بمافشار آوردند که باید سلطنت در خانواده مجدد ملی میرزایانند

(آقای یاسائی اجازه خواستند)

دولت آبادی (خطاب یاسائی) بلی

حالا فشار نیست خوب است اجازه نخواهید هیچ فشار نیست خوب هم میدانم که فشار نیست و این حرف هائی که میزنند رومه است . . . . .

دولت آبادی - خیلی خوب آقای شما در شب که بنده را احضار کردید در آن موقع شب صلاحیت نداشت خلاصه در موقعی که این ماده نوشته میشد بنده و جمعی مخالف این ماده بودیم اسم این ماده را گذاشته بودیم ماده ابر یعنی آخر ندارد و معلوم نیست آخرش چیست؟

بجهت اینکه منویسید سلطنت ایران است در شخص امیرحضرت فلان سلطان معدعی شاه قاجار نسل بعد نسل برقرار خواهد بود نسل بعد نسل یعنی چه؟ اگر یک روز نسل منقطع شد چه باید کرد؟ این بود بنده در آن مجلس با این ماده مغایرت کردم و گفتم بنده هیچ همراهنیستم با این ماده

خوب آمدیم نسل بیداشه ولی ایفاقت نداشت چه کنیم؟ شاید ذکر کرده داشت پادشاه زن درست کنیم؟ از این حرفها در آن مجلس بسیار زده شد که اگر در وقت مجلس باشد بنده در آنروز مغایر با این ماده بردم حالا هم مغایرم زیرا این ماده به اراده ملت گذارده نشده و به فشار گذارده شده .

حالا برسیم بمطلب . پس پیش بنده هیچ اشکالی نیست که سلطنت در خانواده قاجاریه باشد یا نباشد چرا برای اینکه می دانم این ماده اساساً غلط است معذرت می گویم که ملت جمع شده و شاه درست کردند بندهم در اسلام قبول بودم تا اگر تیر یکی هم مغایره کردم ولی حاج میرزا سلطنت حاضر است بهلوی من نشسته بود من گفتم سلطنت قاجاریه منقرض است گفت چرا؟ گفتم برای اینکه پادشاه خودش بدست خودش حق را از خودش سلب کرد و رفت زیر بیرق های اجنبی نشست دوباره که به ایران مسافرت کردم دیدم شاه بازی فریبی است و شاه در فرح آباد نشسته است و یک دستکش بدستش کرده است وقتی کافه بدستش میدادند میگفت بگذار آنجا کتاب که به دستش می دادند می

گفت بگذار آنجا میاد میکرب بدستشان برود

دیگر قضیه جنس بود که همین آقای ارباب کیخسرو غصه جنس را بنده فرمودند و اظهار دلشنگر کردند که دست آخر بنده از جیب خودم پول گذاشتم و دادم ب مردم خوردند برای اینکه پادشاه حاضر نشد جنس را خرواری ده تومان کمتر بفروشد این قضایا را تاریخ ضبط میکند بنده وقتم فرح آباد . ایشان هم امیرحضرت ملی میرزایانند

(آقای یاسائی اجازه خواستند)

دولت آبادی (خطاب یاسائی) بلی

حالا فشار نیست خوب است اجازه نخواهید هیچ فشار نیست خوب هم میدانم که فشار نیست و این حرف هائی که میزنند رومه است . . . . .

دولت آبادی - خیلی خوب آقای شما در شب که بنده را احضار کردید در آن موقع شب صلاحیت نداشت خلاصه در موقعی که این ماده نوشته میشد بنده و جمعی مخالف این ماده بودیم اسم این ماده را گذاشته بودیم ماده ابر یعنی آخر ندارد و معلوم نیست آخرش چیست؟

بجهت اینکه منویسید سلطنت ایران است در شخص امیرحضرت فلان سلطان معدعی شاه قاجار نسل بعد نسل برقرار خواهد بود نسل بعد نسل یعنی چه؟ اگر یک روز نسل منقطع شد چه باید کرد؟ این بود بنده در آن مجلس با این ماده مغایرت کردم و گفتم بنده هیچ همراهنیستم با این ماده

خوب آمدیم نسل بیداشه ولی ایفاقت نداشت چه کنیم؟ شاید ذکر کرده داشت پادشاه زن درست کنیم؟ از این حرفها در آن مجلس بسیار زده شد که اگر در وقت مجلس باشد بنده در آنروز مغایر با این ماده بردم حالا هم مغایرم زیرا این ماده به اراده ملت گذارده نشده و به فشار گذارده شده .

حالا برسیم بمطلب . پس پیش بنده هیچ اشکالی نیست که سلطنت در خانواده قاجاریه باشد یا نباشد چرا برای اینکه می دانم این ماده اساساً غلط است معذرت می گویم که ملت جمع شده و شاه درست کردند بندهم در اسلام قبول بودم تا اگر تیر یکی هم مغایره کردم ولی حاج میرزا سلطنت حاضر است بهلوی من نشسته بود من گفتم سلطنت قاجاریه منقرض است گفت چرا؟ گفتم برای اینکه پادشاه خودش بدست خودش حق را از خودش سلب کرد و رفت زیر بیرق های اجنبی نشست دوباره که به ایران مسافرت کردم دیدم شاه بازی فریبی است و شاه در فرح آباد نشسته است و یک دستکش بدستش کرده است وقتی کافه بدستش میدادند میگفت بگذار آنجا کتاب که به دستش می دادند می

شخص او از زیستگان من نفع نرسیده بلکه ضرر هم رسیده (دست قیاب - جبران میشود)

این آدم آمد و یک عملیات و کارهایی کرد امروز خودش را بجائی رسانده که مردمی که علاقه به مملکت دارند و دلشان می خواهد این مملکت هم هرگز دنیا شود و دلشان میخواهد که از این ذات و کثافت بیرون بیایند متوسل شده اند با او میگویند آقای بیا رید بختی ما خانه بده و یک چاره برای ما بکن چرا در خانه من و شما نمی آیدت چرا میروند و باو میگویند برای اینکه این قدرت و توانائی را در اوستی بیند و در من و شما نمی بیند .

ما میخواهیم برویم متوسل شویم به آن شاه بوسیله ما و بآن درباری که وقتی رفتیم نباید اشک بریزیم به حال آن دربار

سال گذشته همه آقایان حاضرند من چقدر مغایرت کردم که حقوق شاه و دربار یکی نباشد من میگفتم که این را تجزیه کنند و ماهی دوسه هزار تومانش را بشاه بدهند که برود همانجا تیکه رختخوابش گرمست بخوابد و ما بقی آنرا برای ترتیب و تنظیم دربار مصرف کنند

حالا اینجا باشد بنده از خدا بخواهم بگو شخص آقای رضاخان بهلوی زده دار امور این مملکت باشد و حقیقت و ثبات داشته باشد و هیچگونه تملی در اطراف آن نباشد بلکه بتواند کشتی چهارموجه مملکت را ساحل نجات برساند - غیر از او در این مملکت امروز نیست فردا شاید پیدا شد

سلطنت قاجاریه منقرض است و رضای خان بهلوی رئیس مملکت است و اکثریت مجلس هم رای میدهد و کارهاشان خواهند کرد گر چه بنده آنرا بخواهم امضا نکنم ولی اکثریت امضا کردند بنده مانع اکثریت نیستم بلکه مطیع اکثریت هستم بنده چه کارام

بنده میخواهم حرف خود را بگویم بنده این کار بزرگ که آتیه مملکت ما کاملاً بسته بآنست یک کاری است که باید در داخله شخص آقای رضاخان بهلوی زیر پای خودش را طوری محکم ببیند که هیچگونه تزلزلی نداشته باشد و بداند که دنیا حامی اوست و دنیا او را بریاست این مملکت می شناسد

این راجع بداخله اما راجع بخارجه قانون اساسی ما در مجمع القوانین کماست بهمان دنیا هست گذارده شده است هدای دنیا نشسته اند و همه نگاه می کنند و قلمها را توی مرک نگاه داشته اند که بنویسد ما کی را تفریدادیم فوری در حاشیه اش بنویسند اینجا تفریدادیم

اما اگر پشتش بکوشان خورد که این تغییر یک اشکالات قانونی داشته که هنوز در میان ملت مسلم نیست آنوقت

بکار اینجا ضرر میزند مخالف بنده در لایحه از بابت قاجاریه است قاجاریه درازته و منقرض شده میدانم و نه از نقطه نظر رضاخان بهلوی است

اورتیس مملکت است و از خدا میخواهم سر سال چهل سال هم کند و همیشه رئیس مملکت باشد و کار این مملکت را بکنند فقط قسمت آخرش را که بنده را احضار کردند وقتی که رفتم دیدم امضا نکردم قسمت دوبرا همینطور قسمت سوم را بیکتدی بیشتر باید در طرافش فکر کرد که ناخوشی ذات البه پیدا نکنند این بود عرض بنده دیگر عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کانی است

نایب رئیس - آقای دولت آبادی در ضمن بیاناتشان (لازمست بنده توضیحانی بدهم) اولاً اظهار کردند کشتی چهارموجه مملکت البته همه آقایان تصدیق میکنند که مملکت ما در نهایت امنیت و آسایش است (نمایندگان صحیحست)

و هیچ موجهی بگشتی استقلال مملکت سکنه وارد نکرده و نمیتواند بکند (نمایندگان صحیحست) قسمت دوم اشاره کردند در وقتی که یک اصولی تغییر کند بعضیها در ذیلش خواهند نوشت این را همه آقایان تصدیق میکنند که هیچ اجنبی دولت اجنبی حق دخالت در امور داخلی یک مملتی ندارد (نمایندگان صحیحست)

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کالیست

دولت آبادی - بنده توضیحی دارم

نایب رئیس - فرمایش

دولت آبادی - آقایان در وقت اول که فرمودید بنده مرادم از کشتی چهارموجه این نبود که طوفان در استقلال است بنده عرض کردم مملکت ما در این احوال حاضر در دنیای امروز بهلوی ملل دیگر که بگذارند ببینند یک کشتیست که بشاه راه ترفی نیفتاده و باید آن را به ترفی انداخت

اما راجع بقسمت دومش عرض کردم آن اشخاصیکه آنجا نشسته اند و نسخه قانون اساسی ما را دارند وقتی فیهیدند که قانون اساسی تغییر کرد تغییراتش را در حاشیه اش یادداشت میکنند نگفتم مداخله در قانون میکنند

نایب رئیس - چند نفر از آقایان تقاضا کرده اند نسبت باین پیشنهاد باورقه اخذ رای شود فراتر میشود (بعضی من ذیل قرائت شد)

ما امضا کنندگان تقاضا داریم در این موضوع رأی باورقه گرفته شود عبدالله یاسائی - دکتر امیر - دست قیاب اخگر - طهریضا الحسینی - کی استوان نایب رئیس - یک ماده است ولی لفظ

بنده کاملاً موافق تصور نمیکنم که هیچ کس در مملکت باشد که فکرش این قدر کوچک و عقب مانده باشد که تصور بکند دادن اختیاری بدست یک نفر بدون هیچ حدی بودن هیچ قانونی یعنی یک نفر بقول ایشان شاه باشد

رئیس الوزرا باشد رئیس هائی قوا باشد وزیر جنک باشد

یک همچو چیزی نه تنها یک مسئله است بلکه باو خواهند خندید بلکه یک مسئله است بقدری واضح و مسلم که هیچ کس زیر این بار نبردود

بنده تعجب میکنم چطور ایشان که مدتی است در مجلس هستند در غالب ماها را میشناسند درجه فهم رفقای پارلمانی خودشان را آتقدر کوچک تصور کردند که ممکن است اینطور فرض کند

پس نباید اول استقلال را برد روی یک قضیه ای که بعد باید بشود و یک فرض گرفت و آن فرض را اظهار کرد در ابتدای پیشنهاد نوشته شده یک ضدیتی با خانواده که امروز سلطنت دارند در این مملکت شروع شده و یک بهرانی در مملکت تولید کرده است

حالا بنده میخواهم داخل بنفی مسائل بشوم که از وقتیکه این بحران شروع شده تا بحال چه قضایائی در مملکت اتفاق افتاده از خوزستان گرفته تا آنطرف مملکت اگر برگردید و ریشه اش را در بیابورید می بینید یک نواحی و مقاماتی هست که باوجود اینکه دور هستند هر روز اثراتشان یک چیز هائی است که ما می بینیم و هر روز مملکت را در یک زحمت فوق العاده می اندازیم

در پیشنهاد ما صحبت این است که برای خاتمه دادن باین بحران این خانواده را منقرض بدانیم و فکر بعداً بگذاریم برای یک مجلس که مجلس موسسان باشد

مگر مشروطیت ایران غیر از این بود که اول آمده و گفتند مشروطیت بعد حقوق برای ملت قائل شدند و از آن روز کم کم بخصوص در این دو سال اخیر این بحرانی که پیدا شده است اصل مقصود نظر این است که این ها نباشند

پس نباید اول استقلال را برد روی یک قضیه ای که بعد باید بشود و یک فرض گرفت و آن فرض را اظهار کرد در ابتدای پیشنهاد نوشته شده یک ضدیتی با خانواده که امروز سلطنت دارند در این مملکت شروع شده و یک بهرانی در مملکت تولید کرده است

حالا بنده میخواهم داخل بنفی مسائل بشوم که از وقتیکه این بحران شروع شده تا بحال چه قضایائی در مملکت اتفاق افتاده از خوزستان گرفته تا آنطرف مملکت اگر برگردید و ریشه اش را در بیابورید می بینید یک نواحی و مقاماتی هست که باوجود اینکه دور هستند هر روز اثراتشان یک چیز هائی است که ما می بینیم و هر روز مملکت را در یک زحمت فوق العاده می اندازیم

در پیشنهاد ما صحبت این است که برای خاتمه دادن باین بحران این خانواده را منقرض بدانیم و فکر بعداً بگذاریم برای یک مجلس که مجلس موسسان باشد

اگر امروز حق سلطنت از افراد یک خانواده باید گرفته شود آن روز حقوق ملی در قسمت انتخابات عوض شد و یک عهد آمدند و حق یک عهد دیگری را که ملت است از بین بردند

بنده هم حرفی ندارم مصلحت مملکت را اینطور تشخیص دادند و مجلس بدهم قبول کردند ولی تعجب میکنم وقتی که امروز راجع بعقوبت یک اشخاص صحبت میشود میگویند ما میدانیم که اینها خدمتانی به مملکت نکرده اند ولی وقتی که صحبت از گرفتن اینها است یک حربه بنام قانون اساسی در پیش چشم همه جلوه دار میشود بنده عرض میکنم خوب آن روزی که قانون اساسی دست بهش خورد اگر بنا است آن اصلی که حقوق ما را در سیاست بین المللی حفظ میکند متزلزل بشود پس چطور شد که با تغییر قانون اساسی از آن روز تا بحال یک قرارداد ننگذشت که بدون اطلاع مجلس باشد

گفتند ممکن است سابقه شود و اگر دست بزنند باین عمارت ممکن است آسایش گاه ملت برهم بخورد بنده عرض میکنم آن روز هم قانون اساسی دست زدند کی دست زد ؟ کسانی که وجهای

دولت آبادی - بلی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کانی است

نایب رئیس - بنده عقیده ام اینست آقایان تامل بفرمایند تمام آقایان مخالفین و موافقین صحبت خودشان را بکنند آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی - مغایرت بنده با ترتیب تنظیم این لایحه و با بعضی از مواد آنست و چون مربوط میشود با اساس کار از این جهت خواستم مغایرت خود را عرض کنم اینجا سه مسئله است که خوب باید توجه کنیم یکی مسئله قاجاریه است یکی مسئله رضا خان بهلوی رئیس الوزرا و رئیس هائی کل قوا است و یکی مسئله قانون اساسی است و اینها مسائلی است که اینجا مذاکره کردند و هر کس در اینجا حرف میزند آقایان تصور میکنند که با قاجاریه همراه است اینطور نیست!!!

آقای سید یعقوب معنی این است .

دولت آبادی - خلاصه من بکلی از اشخاصی هستم که با قاجاریه مخالفم و سلطنت قاجاریه را منقرض میدانم و هر کس هم جمع شود و بخواهد سلطنت قاجاریه را بر گرداند دیگر نمیتواند حالا دیدی آقای سید یعقوب معنی این نبود .

آقای سید یعقوب خیلی خوب قربان شما

دولت آبادی پس بهتر این است که ادب را حفظ کنید نراکت را هم حفظ

دولت آبادی - بلی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کانی است

نایب رئیس - بنده عقیده ام اینست آقایان تامل بفرمایند تمام آقایان مخالفین و موافقین صحبت خودشان را بکنند آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی - مغایرت بنده با ترتیب تنظیم این لایحه و با بعضی از مواد آنست و چون مربوط میشود با اساس کار از این جهت خواستم مغایرت خود را عرض کنم اینجا سه مسئله است که خوب باید توجه کنیم یکی مسئله قاجاریه است یکی مسئله رضا خان بهلوی رئیس الوزرا و رئیس هائی کل قوا است و یکی مسئله قانون اساسی است و اینها مسائلی است که اینجا مذاکره کردند و هر کس در اینجا حرف میزند آقایان تصور میکنند که با قاجاریه همراه است اینطور نیست!!!

آقای سید یعقوب معنی این است .

دولت آبادی - خلاصه من بکلی از اشخاصی هستم که با قاجاریه مخالفم و سلطنت قاجاریه را منقرض میدانم و هر کس هم جمع شود و بخواهد سلطنت قاجاریه را بر گرداند دیگر نمیتواند حالا دیدی آقای سید یعقوب معنی این نبود .

آقای سید یعقوب خیلی خوب قربان شما

دولت آبادی پس بهتر این است که ادب را حفظ کنید نراکت را هم حفظ

دولت آبادی - بلی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کانی است

نایب رئیس - بنده عقیده ام اینست آقایان تامل بفرمایند تمام آقایان مخالفین و موافقین صحبت خودشان را بکنند آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی - مغایرت بنده با ترتیب تنظیم این لایحه و با بعضی از مواد آنست و چون مربوط میشود با اساس کار از این جهت خواستم مغایرت خود را عرض کنم اینجا سه مسئله است که خوب باید توجه کنیم یکی مسئله قاجاریه است یکی مسئله رضا خان بهلوی رئیس الوزرا و رئیس هائی کل قوا است و یکی مسئله قانون اساسی است و اینها مسائلی است که اینجا مذاکره کردند و هر کس در اینجا حرف میزند آقایان تصور میکنند که با قاجاریه همراه است اینطور نیست!!!

آقای سید یعقوب معنی این است .

دولت آبادی - خلاصه من بکلی از اشخاصی هستم که با قاجاریه مخالفم و سلطنت قاجاریه را منقرض میدانم و هر کس هم جمع شود و بخواهد سلطنت قاجاریه را بر گرداند دیگر نمیتواند حالا دیدی آقای سید یعقوب معنی این نبود .

آقای سید یعقوب خیلی خوب قربان شما

دولت آبادی پس بهتر این است که ادب را حفظ کنید نراکت را هم حفظ

دولت آبادی - بلی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کانی است

نایب رئیس - بنده عقیده ام اینست آقایان تامل بفرمایند تمام آقایان مخالفین و موافقین صحبت خودشان را بکنند آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی - مغایرت بنده با ترتیب تنظیم این لایحه و با بعضی از مواد آنست و چون مربوط میشود با اساس کار از این جهت خواستم مغایرت خود را عرض کنم اینجا سه مسئله است که خوب باید توجه کنیم یکی مسئله قاجاریه است یکی مسئله رضا خان بهلوی رئیس الوزرا و رئیس هائی کل قوا است و یکی مسئله قانون اساسی است و اینها مسائلی است که اینجا مذاکره کردند و هر کس در اینجا حرف میزند آقایان تصور میکنند که با قاجاریه همراه است اینطور نیست!!!

آقای سید یعقوب معنی این است .

دولت آبادی - خلاصه من بکلی از اشخاصی هستم که با قاجاریه مخالفم و سلطنت قاجاریه را منقرض میدانم و هر کس هم جمع شود و بخواهد سلطنت قاجاریه را بر گرداند دیگر نمیتواند حالا دیدی آقای سید یعقوب معنی این نبود .

آقای سید یعقوب خیلی خوب قربان شما

دولت آبادی پس بهتر این است که ادب را حفظ کنید نراکت را هم حفظ

دولت آبادی - بلی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کانی است

نایب رئیس - بنده عقیده ام اینست آقایان تامل بفرمایند تمام آقایان مخالفین و موافقین صحبت خودشان را بکنند آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی - مغایرت بنده با ترتیب تنظیم این لایحه و با بعضی از مواد آنست و چون مربوط میشود با اساس کار از این جهت خواستم مغایرت خود را عرض کنم اینجا سه مسئله است که خوب باید توجه کنیم یکی مسئله قاجاریه است یکی مسئله رضا خان بهلوی رئیس الوزرا و رئیس هائی کل قوا است و یکی مسئله قانون اساسی است و اینها مسائلی است که اینجا مذاکره کردند و هر کس در اینجا حرف میزند آقایان تصور میکنند که با قاجاریه همراه است اینطور نیست!!!

آقای سید یعقوب معنی این است .

دولت آبادی - خلاصه من بکلی از اشخاصی هستم که با قاجاریه مخالفم و سلطنت قاجاریه را منقرض میدانم و هر کس هم جمع شود و بخواهد سلطنت قاجاریه را بر گرداند دیگر نمیتواند حالا دیدی آقای سید یعقوب معنی این نبود .

آقای سید یعقوب خیلی خوب قربان شما

دولت آبادی پس بهتر این است که ادب را حفظ کنید نراکت را هم حفظ

ماده ندارد بهتر اینست ماده واحده نوشته شود  
 بعضی از نمایندگان قرائت شود  
 مجدداً بشرف ذیل قرائت شد  
 پیشنهاد میگردد مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید  
 مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجار بهر اهلا-نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکت بشخص آقای رضاخان پهلوی واگذار میکند تا تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسانست که برای تغییر مواد ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود  
 محمد هاشم میرزا - اجازه میفرماید نایب رئیس - مذاکره دیگر نمیشود کرد فقط باسم ماده واحده است (اغذ آراء بعمل آمده نتیجه اینطور حاصل شد همه حضار ۸۵ ورقه مقید علامت قبول ۸۰) نایب رئیس - همه حضار ۸۵ تصمیم مجلس وماده واحده با اکثریت ۸۰ رای تصویب شد  
 اسامی رای دهندگان - آقایان آقا میرزا شهاب - آقا سید یعقوب - کئی استوان - شوشری - ابراهیم شهاب - هابیم - عراقی - یحیی خان زنگنه - آقا شیخ جلال - نجابت - یاسائی - حاج میرزا علی رضا - حاج شیخ - عبدالرحمن - مرضی قلیخان بیات - آقا سید کاظم - لطف الله خان قزوینی - ارباب کیخسرو میرزا سلیم خان ایزدی - دستغیب - فتح الله میرزا - محمد تقی خان اسعد - حاج میرزا عبدالوهاب - میرزا محمد خان معظمی - حبیب الله خان شاداد - حاج میرزا اسد الله خان میرزا ایدالله خان - میرزا ایدالله خان معتد - دیوان بیگی - سهراب زاده - آقا شیخ هادی طاهری - مفتی - حاج سید محمد سلطانی - شریعت زاده - محمد ولی خان اسدی - صدرائی - انشار - فرج الله خان آصف - حاج زبده - طباطبائی دیبا - داور - شیروانی - ابوالحسن خان بیرنیا - کازرونی - محمد هاشم میرزا انسر - حیدرقلی میرزا حشمتی دامغانی - میرزا اسمعیل خان اسانلو - سید ابوالفتح - میرزائی - آقا شیخ فرج الله دکترا میرزا خان اعلم - حاج حسن آقا ملک شیخ محمد علی طهرانی - میرزا یوسف خان مدل - میرزا رضا - خان حکمت - الوتی - آقا سید جواد محقق - آقا رضا مهدوی - میرزا امدان خان اکبر - دکتر حسین خان بهرامی - سید الله خان اسکندری - سید عبدالحسن صدر - اسماعیل خان قشقائی - دکتر آقایان - عظیمی - سهراب - خان - عصر انقلاب - دهنام - میرزا حسین خان دادگر - سلطان ابراهیم خان افخمی - میرزا جوادخان - زاهدی - میرزا محمودخان وحید - حبیب الله خان کمالوند - اشکر - ناصر نامانی - سید احمدخان اعتبار - میرزا

سید حسن کاشانی - سلیمان میرزا - حاج آقا رضا رفیع  
 نایب رئیس - لازم میدانم برای رفع هر گونه سوء تفاهم اصل بنجامه قانون اساسی را بر عرض آقایان برسانم در اینجا تصریح شده که مدت دوره تقنینیه دو سال است بنابراین تصمیم امروزه مجلس موجب انحلال مجلس شورای ملی نیست برای اینکه اگر موجب انحلال شود مستلزم نقض اصل بنجامه قانون اساسی خواهد بود و منافاتی هم با تشکیل مجلس مؤسسان نخواهد داشت  
 بنابر این اگر آقایان تصویب فرمایند جلسه را ختم کنیم (از طرف نمایندگان - صبح است) نایب رئیس - جلسه آتیه فردا صبح یکشنبه است سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستورالعمل لایحه تفریح بودی، مجلس ثانیا لایحه اعطای قرضهای فلاحی (مجلس تقریباً دو ساعت بعد از ظهر ختم شد)  
 نایب رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین منشی م - شهاب ع - خطیبی جلسه ۲۱۲ (صورت مشروح مجلس دهم آبانماه ۱۳۰۴) مجلس يك ساعت و یکربع قبل از ظهر بر است آقای تدین نایب رئیس تشکیل گردید (صورت مجلس روز قبل را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند) نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)  
 آقا سید یعقوب - قبل از دستور عرض دارم.  
 نایب رئیس - آقای سلطانی  
 سلطانی - قبل از دستور نایب رئیس - آقای دامغانی  
 دامغانی - قبل از دستور نایب رئیس - آقای میرزائی  
 میرزائی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.  
 نایب رئیس - آقای بهار  
 بهار - در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بعضی از آقایان دوستان مطمئنند که دیروز بنده فوق العاده کسالت داشتم بملاوه بواسطه نداشتن نلغف مطلع نبودم که جلسه علمی تشکیل میشود و معمولاً روزهای یکشنبه جلسه تشکیل میشود امروز هم شرحی عرض کرده ام و این دلائل را هم اینجا عرض کرده ام که بنده را غایب یا اجازه ثبت فرمایند.  
 نایب رئیس - با اجازه ثبت میشود.  
 آقای میرزا شهاب (اجازه)

آقای آقا میرزا شهاب - بنده در صورت مجلس اعتراضی دارم.  
 آقای جهانشاهی با حکم وزارت عدلیه به تبریز تشریف برده اند و آنجا سمت قضاوت را در جمع ذلک در صورت مجلس غایب با اجازه نوشته بودند.  
 یکی هم اکبر میرزا اردشیری است که ناخوش بودند دیروز هم ثبت داشتند و شاید هم اجازه خواسته باشند ایشان را هم غایب بی اجازه نوشته اند.  
 نایب رئیس - در قسمت اول اسم آقای جهانشاهی را اشتباه نوشته اند و الا اسامی از دفتر زده شده است - قسمت ثانی هم اصلاح میشود دیگر فراموشی نیست؟  
 جمعی از نمایندگان - خیر.  
 نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد.  
 آقای آقا سید یعقوب (اجازه)  
 آقا سید یعقوب - يك مسأله را که حقیقه عام المابوی است و در مجلس هم غالباً آقایان نمایندگان متوجه این مسأله بوده اند و اهتمامی درین باب داشته اند بر عرض آقایان میرسانم مخصوصاً این ایام که اعضاء محترم کمسیون بودجه ها را تحت نظر دارند خواستم بر عرض آقایان ملاحظه فرمایند.  
 در روزنامه جات مجلی و مطبوعات را حقیقه يك قسمت یریشانی افراد را نشان میدهد.  
 افراد ایرانی حقیقه اینطور در دو می شوند يك داسی است. داس مرض که آنها را در دو میکند با این بیماری که برای مردم هست ما ملاحظه میکنیم که ایران از چند جهت فقیر است بکسی از آن جهات فقر افرادی است. ایران باین نزدگی باید افراد داشته باشد تا اورا آباد کند.  
 این بلای مبرم مالاریا که آنقدر مسا فریاد زدیم که متصل شهر باروا دور میکند از آنطرف در و زمین نغم گذاشته مخصوصاً در روزنامه جات ملاحظه فرمایند بیند توجه درین موضوع کمتر شده است مخصوصاً نوشته است که متوفیات در تبره ماه که اول تابستان باشد سبب داس و متولدات صد و پنجاه حالادرست همدش در نظرم نیست ولی خیلی کمتر است. این قسمت راجعت حساب بیلورید ملاحظه فرمائید چطور بزودی نژاد ایران منقرض میشود  
 این روزها که کمسیون بودجه بودجه را تحت نظر دارد بنده مخصوصاً خواستم تقاضا کنم که مجلس شورای ملی با يك جدیتی از دولت تقاضا کند يك محل مخصوصی از برای جلوگیری از مالاریا تعیین کند.  
 محل زده بنده بتوانم پیدا کنم نهایت نماینده نمیتواند بگوید.  
 يك محل هائی هست بجای اینخروج

هائی که برای تبصره ها که فایده ندارد میکنند آن عملها را اختصاص بدهند برای ابتکار که اولاد های ایران از بین نروند.  
 بنده خواستم مخصوصاً بمقام نیابت ریاست ریاست کمسیون بودجه را هم عهده دار هستند تذکر بدهم. امروز که کمسیون بودجه تشکیل میشود مخصوصاً از دولت بخواهند که يك محل هائی مخصوصاً برای مالاریا در تحت نظر بگیرند.  
 کمسیون فوائد عامه راپرت مفصلی درین باب داده است که دولت اگر سالی ده هزار تومان خرج کند تا پنجسال بکلی مرض مالاریا در شهر باروا و جابلغ موقوف میشود  
 حالا میخواهیم يك قدمهائی بسمت سعادت برداریم باید بدانیم که اول قدم صحت عمومی است این بود که مراتب اجراض مجلس رسانند.  
 نایب رئیس - آقای سلطانی (اجازه)  
 سلطانی - عرضی ندارم.  
 نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه)  
 دامغانی - سالها بود که اهالی صفحات شاهرود و يك قسمت از زوار خراسان مخصوصاً زوار حضرت رضا علیه آله فی التبعیه و التناصب یعنی بهاجرت آمده بودند تا اینکه اخیراً در اثر حزم و اراده والا - حضرت پهلوی سوق قشون در آن ناحیه داده شده و از قرار اخباریکه میرسد مراکز همه ترا که را قشون تصرف کرده و بزودی همه را خلع سلاح خواهند کرد یا کرده اند.  
 چند جلسه بود که بنده میخواستم این عرض را بکنم ولی موقت نشدم. محالاً از طرف اهالی آسمان اقدامات مجدانه و اراده کافی والا حضرت پهلوی تشکر میکنم و پس از اینکه دیروز ماده واحده از مجلس گذشت امیدوارم پس از اینستله والا حضرت ایشان شکرانه تصویب ماده واحده بر جدیت خودشان بیفزایند و مسائل تخته قاپی کردن بومی کردن ترا که رانرا هم آورند و ضمناً از مجلس هم راجع بگذرانند ماده واحده دیروز تشکر میکنم که حقرا بر کر خودش قرار دادند.  
 نایب رئیس - آقای رضوی (اجازه)  
 حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - چون آقای آقا سید یعقوب شرحی از عدالتات مرکز فرمودند بنده هم ناچارم شرحی از ولایت خودم عرض کنم تا بلکه آقایان همراهی کرده فکری بحال آن بدبختها بنمایند.  
 اگر فکری شد که چه بهتر و اگر هم نشد بنده تکلیف خودم عمل کرده ام. اهالی

همدان بواسطه این حمل غله دچار يك تعطیلی خیلی سختی شده اند و پنج روزیاده روز منتهی بیست روز دیگر بیشتر طول نمیکشد که راه های آنجا بکلی مسدود خواهد شد و بطوریکه بنده اطلاع دارم هزار خروار جنس در شهر و اطراف نیست و اگر وضعیت اینطور باشد تمام اهالی تلف خواهند شد.  
 بنده همی داد زده ام ولی فایده نبخشیده و حالا هم مخصوصاً استدعا میکنم تذکری بدوا داده شود بلکه فکری برای اهالی بدبخت آنجا بشود زیرا این ترتیب اهالی تلف خواهند شد.  
 اگر این مملکت عهده لازم دارد که باید يك فکری بشود و اگر هم لازم ندارد که هم فرمایش آقای آقا سید یعقوب بیخود است و هم عرض بنده و بیشتر از این هم چیزی عرض نمیکند  
 نایب رئیس - تذکر داده میشود خبر کمسیون معاسبات راجع به لایحه تفریح بودجه مجلس بابت سنه ۱۳۰۲ مطرح است (شرح ذیل قرائت شد)  
 ماده اول - مخارج مجلس شورای ملی از بابت دوازده ماهه سال هزار و سیصد و دو موافق ماده (۱) الی (۳) ضمیمه (۱) بر طبق بودجه مصوبه مبلغ دوپست و بیست و دو هزار و نهصد و هفتاد و هفت تومان و يك هزار و هشتصد و بیست و پنج دینار تصویب میشود  
 ماده دوم - عایدات باغ بهارستان و مطبیه مجلس شورای ملی از بابت سال ۱۳۰۲ موافق ماده (۴) ضمیمه (۱) مبلغ بیست و پنج هزار و چهل تومان و هشت هزار و سیزده شاهی تصویب می شود.  
 ماده اول  
 فقره ۱  
 مقرری آقایان نمایندگان محترم ۷۸۰۹۴۷۰ قران  
 فقره ۲  
 حقوق اعضاء و اجزاء اداره تقنینیه با اعتبار فوق العاده ۲۶۷۸۶۴۳۵ قران  
 فقره ۳  
 حقوق اعضاء و اجزاء اداره مباشرت ۴۰۰۸۲۷۰۰ قران  
 فقره ۴  
 مصارف ماهانه و سالانه : ۱۱۷۴۲۹۰۵ قران  
 مبلغ کل ۱۲۶۶۲۱۵۶۷۰ قران  
 ماده دوم  
 مصارف فوق العاده (بنائی - اثاثیه - مخارج جشن و غیره) ۲۳۰۴۲۴۴۲۰ قران  
 ماده سوم  
 فقره ۱  
 حقوق کارکنان مطبیه ۹۹۱۰۹۹۰ قران

فقره ۲  
 مصارف متفرقه و اثاثیه مطبیه ۸۷۰۱۲۱۹۰ قران  
 جمع کل مصارف بکساله : ۲۲۲۹۷۷۱۸۲۰ قران  
 ماده چهارم  
 عایدات باغ بهارستان ۹۸۲۵۶۶۰ قران  
 عایدات مطبیه مجلس ۵۰۵۸۳۳۰ قران  
 جمع ۲۰۴۰۸۳۶۰ قران  
 نایب رئیس - شوردر کلیات است. آقای اشکر - موافقم (اجازه)  
 نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)  
 آقا سید یعقوب - موافقم نایب رئیس - مخالفی نیست؟ (گفتند خیر)  
 نایب رئیس - رای میگیریم بشور در مواد - آقایان بکجه تصویب میکنند قیام فرمایند.  
 (اکثر نمایندگان قیام کردند) توضیحاً عرض میکنم که ماده اول دارای سه ماده جزء است و هر يك از این سه ماده دارای فقراتی است که به عرض آقایان می رسد.  
 بنظر بنده اینطور میرسد که ماده يك و دو سه که در ضمن ماده اول است اگر تبدیل بقسمت شود بهتر است زیرا يك ماده مشتمل بر سه ماده است و این خوب نیست.  
 آقای بیات (اجازه)  
 مرضی قلیخان بیات - عرض میکنم ترتیب ماده بنده دو قسم است یکی آن طور که چیزی ماده بنده ماده اول که بمواد اول و دوم رسوم قسمت شده یکی هم ماده بنده بطور کلی است مثل همان ماده اول و دوم و بقیه بنده سه ماده جزء را در تحت يك ماده قرار دادن اشکالی ندارد چون آن موادی که راجع بمخارج و عایدات نوشته شده ضرورت جزء است و آن دوام شامل تمام این قسمت ها است  
 نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)  
 ارباب کیخسرو - اینجا هیچ فرقی نمی کند که چه قسم رای گرفته شود بهر صورت مقصود حاصل است ولی همانطور که آقای بیات فرمودند ترتیب بودجه همیشه معمولی این طور بوده که مواد جزء را نوشته و با اطلاع آقایان نمایندگان میسرند و جزء بجز رای گرفته میشود ولی آن دو ماده یکی خرج است و یکی هرا نه حالا هم بسته بنظر آقایان است  
 نایب رئیس - آقا سید یعقوب (اجازه)  
 باقرمایش آقای نایب رئیس برخلاف فرمایش آقای ارباب برای اینکه خودشان فرمودند

در واقع دو ماده است يك ماده جمع است و يك ماده خرج و همانطوری که آقای نایب رئیس اظهار کردند ماده اول که خرج است دارای سه جزء است  
 این جهت بقیه بنده آن سه جزء را نمی توان يك ماده فرض کرد برای اینکه کلیه بودجه يك ماده جمع دارد و ماده خرج و مخارج مشتمل است بر سه جزء و هر سه جزء تحت يك ماده است  
 عقیده بنده این است که دو ماده شود يك ماده جمع يك ماده خرج و در آن سه جزء ماده خرج هم جدا گانه رای گرفته شود.  
 نایب رئیس - آقای دست غیب (اجازه)  
 دست غیب - بنده هم همین طور موافقم که در طرز زاده بنده اشتباه شده ماده بنده این طور غلط است و باید فقرات نوشته شود.  
 نایب رئیس - آقای بیات (اجازه)  
 بیات - این اشکالی که می فرمایند ممکن است مواد جزء فقره شود ولی در هر حال فرق نمی کند  
 نایب رئیس - فقره هم نمی شود نوشت برای اینکه خود ماده اول مشتمل بر چهار فقره است  
 حالا میخواهید جزء بنویسید یا قسمت در هر حال این يك اصلاح عبارتی است آقای شیروانی (اجازه)  
 شیروانی - در این ستون بنده تیرش را فقرات گذاشته و این مواد از فقره يك تا سه می شود  
 نایب رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)  
 شریعت زاده - این اشکالی ندارد چون اینجا نوشته است ماده اول بالایش نوشته است شرح  
 پس شرح ماده اول که شده دیگر اشکالی ندارد  
 نایب رئیس - رای می گیریم بقسمت اول از ماده اول که مشتمل بر چهار فقره است.  
 فقره اول مقرری آقایان نمایندگان محترم مبلغ پنجاه و هفت هزار و هشتصد و نه تومان و چهارقران و هفتصد و پنجاه فقره دوم حقوق اجزاء و اعضاء اداره تقنینیه با اعتبار فوق العاده مبلغ بیست و شش هزار و هشتاد و پنج قران و نهصد و پنجاه دینار  
 فقره سوم حقوق اعضاء و اجزاء اداره مباشرت مبلغ سی هزار و هشتاد و دو تومان و هفت هزار و هشتصد و پنجاه دینار  
 فقره چهارم مصارف ماهانه و سالانه مبلغ کل دو فقره میشود. پانصد و چهل و يك هزار و صد و سی و پنجقران و هشتصد و بیست و پنج دینار آقایانی که این مبلغ را تصویب می نمایند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)  
 نایب رئیس - تصویب شد

قران و پانصد و پنجاه دینار که جمع کل چهار فقره میشود یکصد و بیست و شش هزار و چهار صد و بیست و یکتومان و پنج قران و سیزده شاهی  
 سلطانی - بنده نسبت بفقرات تقاضای تجزیه میکنم  
 نایب رئیس - رای می گیریم بققره اول بنا بر تجزیه. حقوق آقایان نمایندگان آقایان بیکجه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)  
 نایب رئیس - تصویب شد  
 رای می گیریم بققره دوم حقوق اعضاء اداره تقنینیه آقایانی که تصویب میفرمایند قیام فرمایند.  
 (فالب نمایندگان قیام نمودند)  
 نایب رئیس تصویب شد رای گرفته میشود بققره سوم حقوق اجزاء اداره مباشرت آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.  
 (اکثر برخاستند)  
 نایب رئیس - رای می گیریم بققره چهارم مصارف ماهانه و سالانه آقایانی که تصویب میفرمایند قیام نمایند (عده زیادی برخاستند)  
 نایب رئیس - تصویب شد. رای می گیریم بمجموع این چهار فقره مبلغ یکصد و بیست و شش هزار و چهار صد و بیست و یکتومان و پنج قران و سیزده شاهی آقایانی که تصویب میفرمایند قیام فرمایند.  
 (جمع کثیری قیام نمودند)  
 نایب رئیس - تصویب شد  
 قسمت دوم از ماده اول مصارف فوق العاده بنائی اثاثیه مخارج جشن و غیره که يك فقره است بمبلغ چهل و دو هزار و چهار صد و چهل و دو و تومان و هفت شاهی آقایانی که این قسمت را تصویب می فرمایند قیام نمایند.  
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)  
 نایب رئیس - تصویب شد.  
 (خطاب به آقای سلطانی) نسبت به این فقرات هم تقاضای تجزیه میکنید سلطانی - خیر  
 نایب رئیس - قسمت سوم از ماده اول مشتمل بر دو جزء اول حقوق کارکنان مطبیه و مبلغ هشت هزار و نهصد و نود و يك تومان و پنج قران و نهصد و پنجاه دینار  
 دوم مصارف متفرقه و اثاثیه مطبیه بمبلغ چهل و پنج هزار و صد و بیست و يك تومان و نه قران هشتصد و هفتاد و پنج دینار که جمع کل دو فقره میشود. پانصد و چهل و يك هزار و صد و سی و پنجقران و هشتصد و بیست و پنج دینار آقایانی که این مبلغ را تصویب می نمایند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)  
 نایب رئیس - تصویب شد



وای می گیریم بسانه اول از قانون بودجه مغالفت نیست آقابانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.

نسبت به ماده دوم از قانون بودجه مغالفتی نیست؟

جمعی از نمایندگان خیر؟

نایب رئیس - ماده دو یک قسمت دارد که مشتمل بر دو ماده است عایدات باغ بهارستان، نه هزار و هشتصد و بیست و پنجقران و شصصدینار.

عایدات مطبوعه مجلس، دوست و چهل هزار و پانصد و هشتاد و سهقران و پنجاه و دینار جمع این قسمت میشود دوست و پنجاه هزار و ۴۰۸قران و ۶۵۰دینار.

رای می گیریم باین قسمت که عین ماده دوم است آقابانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(غالب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. شور در کلیات است، مغالفتی نیست؟

جمعی از نمایندگان خیر.

نایب رئیس - رای میگیریم، باورده نسبت باین قانون تفریح بودجه آقابانی که تصویب میکنند ورقه سفید والا ورقه کبود خواهند داد.

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه به قرار ذیل حاصل گردید)

ورقه سفید هلاک قبول (۷۰)

نایب رئیس - عده حاضر هشتاد و چهار.

قانون تفریح بودجه مجلس بابت ۱۲۰۷ یا اکثریت ۷۰ رای تصویب شد.

اسامی رای دهندگان، آقبان شیروانی، هابیم، نجات، سلطانی، آقا میرزا سید حسن کاشانی، فرج الله فان کردستانی، آصف، آقا سید یعقوب، آقا میرزا محمد تقی بهار، آقای شیخ فرج الله.

میرزا صادق خان اکبر، حسن آقا ملک ابوالحسن خان بیرنیا، حاج میرزا زار دامغانی، طباطبائی دیبا، دکتر امیرخان اعلم، دستغیب آقا شیخ محمد علی طهرانی، حاج میرزا، هابیم رضا، میرزا عبدالله خان معتمد، حاج آقا رضا رفیع.

مرتضی قلیخان بیات، ایزدی، قائم، مقام، محمدولی خان اسدی، شریعت زاده، آقا شیخ هادی طاهری، بهرامی، میرزا، معبودخان وحید، دیوانیکی، انور، بیجی، زنگنه، خطیبی، افشار، سلطان ابراهیم، خان افخمی، آقا میرزا شهاب الدین، آقا سید محمدعلی شوشتری، محمدولی میرزا فیروز، کی استوان.

آقا سید ابراهیم ضیاء، میرزا حبیب الله خان شادلو، میرزائی، حاج میرزا اسدالله خان، ارباب کیخسرو، هرابخان، اعف الله خان تقوایی، سلیمان میرزا، حاج شیخ بهبه.

الرحمن صالحی، صدرائی، یاسائی، اسکندری، عصر انقلاب، مفتی، محمد، تقی خان اسد، میرزا محمدخان معظمی، آقا سید کاظم بزوی، آقا سید علاء الدین، بهجانی.

میرزا بهمانه خان، هرمزی، آقا میرزا جوادخان خوشی، عطیعی، آقا شیخ جلال، الدین، آقا سید ابوالوالتوح، حیدرقلی میرزا حشمتی.

آقا میرزا حسینخان پیرنیا، اخگر، ناصرندمانی، زاهدی، میرزا رضا خان حکمت، میرزا حبیب الله خان کمالوند، آقا میرزا عبدالعزیز صدر، یک نفر از نمایندگان، بنده، پیشنهاد تنفس میکنم.

نایب رئیس - عده هم کافی نیست (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت به ریاست آقای طباطبائی دیبا تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده پس از تقدیم تشکرات صمیمانه خدمت آقبان محترم از این حسن ظنی که نسبت بنده مبذول داشتند و بنده را بست خدمتگذاری خودشان انتخاب فرمودند عرض میکنم با اینکه بنظر میآید وضعیت خیلی خطرناک باشد.

بنده این خدمتگذاری را قبول کرده ام بواسطه آن توجهات ممنونه آقبان موفق شدم باین که کاملاً ادای وظیفه کردم باشم.

ولی حالا بدر جهت یکی اینکه هوا خیلی صاف و روشن است دیگرها بر تیره و مظلمی درجوبست.

دیگر اینکه چون خیلی کسالت مزاجی پیدا کرده ام قادر باده این وظیفه نیستم استعفاي خود را از نیابت ریاست تقدیم مجلس شورای ملی میکنم.

نایب رئیس - آقای نجات (اجازه)

نجات - بنده در این موضوع عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای کاشانی (اجازه)

کاشانی - در این موضوع عرضی ندارم پیشنهاد کرده ام.

نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده خبلی متأسفم از اینکه آقای تدین از نیابت ریاست استعفا دادند در صورتیکه خدمات ایشان در موقعی خیلی سخت بود و بطوری قابل تقدیر بود که یقین دارم همه آقبان هم تصدیق می فرمایند و حالا که اینطور شده است بنده تقاضا دارم برای جلسه آتی قبل از دستور دیگری انتخاب رئیس و نایب رئیس مینماید.

مدلی - بنده اظهار نظامنامه دارم. رئیس - بفرمائید.

مدلی - بنده پیشنهاد ختم جلسه داده ام. مقدم بر سایر مطالب است.

(پیشنهاد مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود.

(جمعی از نمایندگان گفتند: صحیح است)

شیروانی - اجازه می فرمائید؟ برخلاف نظامنامه است.

نایب رئیس - بفرمائید شیروانی - عرض کنم مطابق مقررات معموله مجلس که دیروز هم اینجا تأیید شد باید بعد از اقداماتی که معلوم شد از طرف بعضی از آقبان نمایندگان بعمل آمده برای اینکه آقای میرزا حسن خان مستوفی استعفاي خودشان را پس بگیرند و تا آلتانهم مشغول اقدام بودند و بالاخره موفق نشده اند که ایشان را وادار بقبول کنند.

بنده تصور میکنم باید استعفاي ایشان قرائت شود و جلسه ختم شود و مطابق مقررات نظامنامه، در ظرف ۳ روز رئیس انتخاب شود و غیر از این دیگر هیچ عملی قانونی نیست.

نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - چنانچه بنظر آقبان رسید و در جلسه سابق مذاکره و موافقت تصیمی که مجلس نشان داد عدم قبول ریاست که از طرف آقای مستوفی الممالک اظهار شد مجلس آنرا مشغول ماده ۱۱ نظامنامه ندانست و همین مناسبت بعد از اینکه عملاً تصمیم مجلس بر این شد که این عدم قبول مشغول ماده ۱۱ نیست.

البته تصدیق می فرمائید ترتیبی که راجع به ماده ۱۱ است نباید اجرا شود بنده آنوقت هم استدعا کردم و حالا هم عرض میکنم که مقرر بفرمائید در جلسه آتی انتخاب رئیس و نایب رئیس مقدم باشد.

نایب رئیس - راجع باین قسمت پیش نهاد هائی رسیده قرائت می شود تا بعد تکلیفش معلوم شود.

پیشنهاد آقای اتحاد

پیشنهاد میکنم جلسه امروز ختم و جلسه آتی به روز ۳ شنبه قبل از ظهر و کورل شود.

پیشنهاد آقای دامغانی

بنده پیشنهاد میکنم دستور جلسه آینده ابتداء انتخاب کمیسیونها و پس از آن قرضه فلاحی جزو دستور باشد.

پیشنهاد آقای افشار

محترمانه پیشنهاد می نمایم لایحه مربوط بشهریه ۶۰ تومان چه شید خان افشار جزء

دستور جلسه آینده شود.

پیشنهاد آقای طهرانی.

پیشنهاد میکنم در جلسه آتی اول دستور انتخاب رئیس باشد.

نایب رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده تمنا میکنم آقبان نمایندگان توجه داشته باشند باینکه مذاکراتیکه در مجلس میشود دلیل مجرز داشته باشد و بعد از آن رأی هم که بیده منتهی السرای رأی باشند.

(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

طوری باید عمل شود که حرف های گذشته از بین نرود.

در مجلس گذشته عده که تقاضا کردند استعفاي آقای مستوفی قرائت شود بنده عرض کردم که ما سابقه مان بر این بوده است که وقتی کسی را مین میگردیم و خواهش میکردیم رئیس باشد و بعد بیک علی قبول نمی کرد بعضی اینک با اطلاع می دادند فوراً نمی گفتیم بسیار خوب بلکه سعی می کردیم بلکه قبول کنند.

بنابر این چون امروز این مسئله با اطلاع داده میشود و ما هنوز می توانیم امیدوار باشیم باینکه شاید ایشان قبول به فرمایند.

لهذا این موضوع مورد ندارد و مجلس هم باید تشکیل شود.

پس در این صورت اگر دیدیم باید مایوس شد و قرائن زیادی هم در این موضوع بدست آمد آ وقت باید مطابق نظامنامه عمل کرد.

ولی فعلاً مشغول ماده ۱۱ نیست زیرا ما هنوز اقدام نکرده ایم که بیستم ایشان قبول می کنند و متقاعد می شوند یا خیر.

البته اگر امروز مطلع شدیم که قبول نمی کنند بسیار خوب باید استعفاي ایشان رسماً اعلام شود و جلسه را ختم کنیم تا بعد انتخاب رئیس بعمل بیاید والا این ترتیب مذاکره با سابقه عملدان درست در نمی آید.

در موقعی که ماری دادیم به آقای بیرنیا متأسفانه و بازم عرض میکنم با کمال تأسف ایشان بفریفتند باینکه ما می دانسیم کافدی راجع باین موضوع هست مسئله باز چند روز نگاه داشتیم تا اینکه بالاخره مایوس شدیم و آنروز آمدیم اینجا و این کاغذ قرائت شد و مجلس را ختم کردیم.

دو حال بنده تصور میکنم اگر آقبان می خواهند این مسئله را محاسن قطع بکنند باسستی مجدداً خوانده شود و ما کمال تأسف متعقد شویم که باید باین قضیه رسمیت داد و جلسه را ختم کنیم و بعد از سه روز هم رئیس را مینماید کنیم.

نایب رئیس - عجلانته عده برای مذاکره و رای کافی نیست. جلسه ختم می شود.

جلسه آتی روز ۳ شنبه چهار قبل از ظهر. دستور هم قرضه فلاحی.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس - مجلس شورای ملی. سید محمد تدین

منشی - م. شهاب

منشی - علی خطیبی

جلسه ۲۱۳

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه چهارم آبانماه هزار و سیصد و چهار مطابق بهجدهم ربیع الثانی هزار و سیصد و چهل و چهار مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای دیبا نایب رئیس تشکیل گردید.

(صورت مجلس یکشنبه دهم آبان ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند و ورقه سفید علامت امتناع ۲۴)

نایب رئیس - عده حاضر ۸۸ آقای تدین با اکثریت پنجاه و سه رای بر ریاست مجلس شورای ملی انتخاب شدند اگر آقبان اجازه بفرمایند قدری تنفس شود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ساعت ریاست آقای تدین مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - در دستور عرض داشتم. در صورت مجلس دیگر اعتراضی نیست؟

آقای دکتر آقبان (اجازه)

دکتر آقبان - بنده این طور شنیدم که آقای هابیم راجع باینکه نوشته اند روز سه شنبه من بایشان کار داشتم نتوانستم خدمتشان برسم معلوم شد که ایشان کسالت داشته اند.

نایب رئیس - برای اطلاع آقبان عرض میکنم بر اثر امتناع آقای میرزا حسینخان مستوفی از مقام ریاست مجدداً اقداماتی شده باز امتناع کرده اند علیهذا امروز شروع بان انتخاب رئیس میشود و چون چنانچه در جلسه اسبق هم تذکره داده شد این امتناع ایشان مشغول ماده یازدهم نمی شود لذا جلسه ختم نخواهد شد و انتخاب رئیس شروع می شود سه نفر نظر انتخاب میشوند

آقای افسر (اجازه)

افسر - اگر این مورد را مشغول ماده یازدهم ندانیم در این حکم میشود که رئیس انتخاب نشده پس بایستی همان نظر سابق باشد.

جمعی از نمایندگان - صحیح است. نایب رئیس - همان نظر سابق باشد آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - بمقیده بنده باید نظر مجدداً انتخاب شوند برای اینکه انتخاب هیئت رئیسه تمام شده بود و ایشان استعفا کرده اند استعفاشان هم قرائت شده بعضی از نمایندگان - خیر این طور نیست.

نایب رئیس - آقبان آقا سید علاء الدین و نظامی بفرمائید برای نظارت در اخذ و استخراج آراء (اخذ آراء بعمل آمده نتیجه باین ترتیب حاصل گردید)

مهره های تقنینیه و اوراق رای هر يك ۸۸

آقای تدین ۵۳ رای آقای دکتر محمدخان مصدق ۳ رای آقای میرزا حسین خان بیرنیا ۳ رای آقای مدرس ۲ رای آقای امیرخان اعلم ۱ رای آقای سردار منتصر ۱ رای آقای بیرنیا مطلق ۱ رای ورقه سفید علامت امتناع ۲۴

نایب رئیس - عده حاضر ۸۸ آقای تدین با اکثریت پنجاه و سه رای بر ریاست مجلس شورای ملی انتخاب شدند اگر آقبان اجازه بفرمایند قدری تنفس شود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ساعت ریاست آقای تدین مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - در دستور عرض داشتم. در صورت مجلس دیگر اعتراضی نیست؟

آقای دکتر آقبان (اجازه)

دکتر آقبان - بنده این طور شنیدم که آقای هابیم راجع باینکه نوشته اند روز سه شنبه من بایشان کار داشتم نتوانستم خدمتشان برسم معلوم شد که ایشان کسالت داشته اند.

نایب رئیس - برای اطلاع آقبان عرض میکنم بر اثر امتناع آقای میرزا حسینخان مستوفی از مقام ریاست مجدداً اقداماتی شده باز امتناع کرده اند علیهذا امروز شروع بان انتخاب رئیس میشود و چون چنانچه در جلسه اسبق هم تذکره داده شد این امتناع ایشان مشغول ماده یازدهم نمی شود لذا جلسه ختم نخواهد شد و انتخاب رئیس شروع می شود سه نفر نظر انتخاب میشوند

آقای افسر (اجازه)

افسر - اگر این مورد را مشغول ماده یازدهم ندانیم در این حکم میشود که رئیس انتخاب نشده پس بایستی همان نظر سابق باشد.

جمعی از نمایندگان - صحیح است. نایب رئیس - همان نظر سابق باشد آقای شوشتری (اجازه)

راه آزادی و مشروطیت و در ادوار مجلس طرف توجه آقبان نمایندگان است.

لهذا کمیسیون با لایحه موافقت نموده ماده واحده ذیل را برای تصویب بمجلس مقدس پیشنهاد می نماید.

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبالغه بیکصد تومان شهریه بوزیر مرحوم آقا سید محمد رضای مساوات بشرح ذیل از روز بعد از وفات آن مرحوم از اعتبار شهریه و مستمریات به پردازد

عیال مرحوم مساوات مادام که شوهر اختیار نکرده ۲۰ تومان

آقا جمال پسر آن مرحوم تا تکمیل دوره تحصیلات ۲۰ تومان

آقا سید حسن همیشره زاده آن مرحوم تا تکمیل دوره تحصیلات ۲۰ تومان

چهار نفر صبا یامار می که شوهر اختیار نکرده اند بالسویه ۴۰ تومان

رئیس - ماده واحده مطرح است. آقای معتمد (اجازه)

میرزا عبدالله خان معتمد - موافقم.

رئیس آقای دادگر (اجازه)

دادگر - موافقم.

رئیس - آقای اتحاد (اجازه)

اتحاد - موافقم.

بعضی از نمایندگان - مغالفتی ندارد. شیروانی - بنده عرضی دارم.

رئیس - آقای دامغانی.

دامغانی - موافقم.

رئیس - آقای یاسائی.

یاسائی - موافقم.

رئیس - آقای داور.

داور - موافقم.

رئیس - آقای اخگر.

اخگر - موافقم.

رئیس - آقای شیروانی.

شیروانی - مغالفت بنده از نقطه تقسیم این شهریه است البته آقبان میدانند يك کسی که دارای چهار نفر صبا و یسری است که مشغول تحصیل است کمان می کنم اینجا همشیره زاده حق نداشته باشد از حقوق او استفاده کند و بنده از این جهت مغالتم و پیشنهاد میکنم بیست تومان بعقود چهار نفر صبا یی آن مرحوم تقسیم شود

معتمد - اظهارات آقای شیروانی راجع بمغالفت نبود از نقطه نظر مستوفی همشیره زاده بود این مطلب در کمیسیون مذاکره شد مطابق توضیحاتی که در کمیسیون بودجه داده شد همشیره زاده اولاً مریض و علیل است و هیچکس را نداشته است جز مرحوم مساوات که تمام مخارج او را متکفل بشده است و فعلاً هم بی چیز و بواره

است اگر این بیست تومان را باو نهدید نمی تواند ادامه تحصیلات خودش بدهد و از گرسنگی تلف خواهد شد

از این جهت کمیسیون بودجه با دولت موافقت کرد و این بیست تومان را در حق او برقرار کرد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقید؟

آقا سید یعقوب - خیر نه خاتم. بنده توجه میبدم مجلس را که هم بنده و هم آقای شیروانی جهت مخالفتن از این حیث است که دولت شهدانه خیلی کم پیشنهاد کرده است. برای اینکه خدمات وزیر گوارای آقای مساوات را همه میدانند و این خیلی کم بود که دولت بیاید صد تومان برای یک شخص باین عظیم القدری قرار بدهد در صورتی ورته ایشان هم هیچ ندارند آنوقت بدانند که حال مشروطه طلبان و آزادی خواهان چه خواهد بود پنج دختر دارند بنده خبر دارم تمام از او مرز زده هستند همچنین میالشی.

حالا چون بدبختانه و کیل نمی تواند پیشنهاد زیادی بکنند همین صد تومان را که هست که چهار دختر مرحوم مساوات بگی ده تومان و عیالش بیست تومان بگیرند که هر دختری آنلا روزی چهار قران داشته باشند که این اولاد آن بیغیر و دختر آن مساوات بآن خدماتش بتوانند ارتزاق بکنند.

اینست که بنده پیشنهادی بمقام ریاست کردم که دخترها و مادر مساوی یکی دوازده تومان ببرند. بیات مغبر کمیسیون - آقای آقا سید یعقوب در واقع اظهار موافقت داشته و البته باید نسبت بخدمانی که ایشان کرده اند قدر دانی شود در این قسمتی که اظهار کرده اند البته تقارنی نمی کند چه بسا دخترها باشد چه با هم عیال در هر صورت مقصود این است که این مبلغ باین خانواده برسد تقارنی می کند چون این مبلغ خرج این خانواده میشود تقسیمش را هم خودشان موافقت داشته اند و تقارنی هم نمی کند و بهر صورت مخارج آن خانواده خواهد شد.

جمعی از نمایندگان مذاکرات کنفی است.

طهرانی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

طهرانی - اینجا تقریباً یک تاسیسی میشود که ورته را توسعه میدهند خواه زاده آتوقته زاده اگر چه خواه زاده مساوات همه طور استحقاق داشته باشد ولی اگر بغوا هم برای یک کسی یک ورته این جا معین کنیم توسعه فامیلی داده خواهد شد و این تاسیس بنظر من غلط است و باید کرده و هم مادرش و در دنیا اختصاص داشته باشد بان کسانیکه سابقاً وارث ناموسری شده اند و باید فکر کرد که بعد از این بنظر چه چیزها پیش نیاید. خواه زاده همه زاده هی بیست هم پیش نیاید.

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کانی میدانند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب.

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم زوجة مرحوم مساوات با صبا یا متساویا با حقوق کنند. آقا سید یعقوب - بنده توضیح زیاد بر آن ندارم گمان میکنم چون مایک قدری پیشنهاد کردم و اگر آقای مغبر کمیسیون هم قبول کنند بهتر است. اگر هم قبول نمی کنند مختارند.

رئیس - فقیهه کیسیون چیست؟

مغبر - بنده همانطوریکه عرض کردم گمان می کنم چون تقارنی در بین نیست بهمان صورت که نوشته شده و خودشان هم تقاضا کرده اند بهتر است حالا دیگر بسته بنظر مجلس است.

آقا سید یعقوب - بنده استرداد می کنم.

رئیس - پیشنهاد دیگری از طرف آقای شیروانی رسیده است.

(شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم - حقوق همشیره زاده نصف بمقوق آقا جمال پسر مرحوم مساوات و نصف بمقوق چهار نفر صبا یا ضمیمه شود.

شیروانی - بنده قبل از این جریان از داخلی زندگی آقای مساوات هیچ اطلاعی نداشتم که ایشان چند نفر ورته داشته اند. و این عریضی که بنده میبکنم از طرف بستگان ایشان بمن گفته شده است که در مجلس بگویم حالا میخواهند رأی بدهند نمی خواهند رأی ندهند.

آن شخص که آمده است و خودش را داخل ورته مرحوم مساوات نموده است تصور می کنم در سلامت مزاج و عقل سلیم ایشان همین بس که آمده است و خودش را داخل ورته مرحوم مساوات نموده است چهار نفر دختر بدیقت ایشان توی خانه خوابیده اند و زندگی لازم دارند پسرش هم باید تحصیلش را تکمیل کند با ما هم بیست تومان هم ما میدانیم در این مملکت نمیشود زندگی کرد این است که بنده پیشنهاد کردم سی تومان بیسر مرحوم مساوات و ده تومان دیگر هم ما بین چهار نفر صبا یا تقسیم شود.

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - شخص سید حسن که همشیره زاده مساوات است (و بنده همکس آقای شیروانی از حالت خانوادگی مرحوم مساوات کاملاً اطلاع دارم) این همشیره زاده جوانی است که بدبختانه هم پدرش وفات کرده و هم مادرش و در دنیا هیچکس را نداشت غیر از همین دانی که آمد منزل آن و بدبختی از برای او این که این دائی را هم زمانه از دستش گرفت و الا ن

در این مملکت این بیچاره خودش است و خودش مسئول تحصیل است.

اگر بقانون استخدام مراجعه بفرمائید - ملاحظه خواهید فرمود در آنجا ذکر شده است که خواهر زاده یا برادر زاده در صورتی که در تحت کفالت شخص متوفی بوده باشد جز ورثه متوفی محسوب میشود. علاوه بر این از شرعی نیست و این يك كه كمي است كه دولت بپازماندگان اشخاصی كه ذر راه آزادی خدمت کرده اند مینماید. همشیره زاده هم از بازماندگان آن مرحوم و از اهالی این مملکت است و اگر این مبلغ را باورده اند هم زندگی او از بین خواهد رفت و هم تحصیلات او بکلی ماطل و باطل خواهد ماند و بهترین ترتیب همان ترتیبی است که کمیسیون پیشنهاد کرده است.

مغبر - بنده با همان صورتیکه ابرار ت داده شده است موافقم دیگر بسته بنظر مجلس است.

رئیس - رأی میگیریم. بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای شیروانی - آقایانیکه موافقتند ایام فرمایند.

(چهار نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال.

(شرح آتی خوانده شد)

اصلاح ماده واحد را شرح ذیل پیش نهاد می نمایم: بعد از تادیه قروض مرحوم مساوات آقا حسن همشیره زاده بیست تومان.

آقا شیخ جلال - اگر نظریات مرحوم مساوات اجرامی شد و حقیقتاً تأسیسات عمومی تربیت اولاد ایران را عهده دار میشد.

بنده هیچوقت راضی نمیشدم که در مقابل آن همه فداکارهای مرحوم مساوات يك حقوق دنیوی باور داده شود و همان جزای اخروی و همان نیک نامی برای آن مرحوم و ورته آن مرحوم کفایت میکرد ولی چون بدبختانه هنوز مؤسسات عمومی به مرحله نرسیده که اولاد ایران حقیقتاً بهره مند شوند و از طرف دیگر آقای مساوات دارای قرضهای زیادی است نظر بنده این بود که این بیست تومان حقوق همشیره زاده محل تادیه قروض مساوات باشد و به از آنکه این قروض تادیه شده آتوقته این بیست تومان را به همشیره زاده ایشان بدهند.

اگر بنا شود که اینطور نشود و فقط اختصاص داده شود بورته مرحوم مساوات با ما هم بیست تومان و ده تومان مجبور هستند فروضشانرا بدهند.

و آنوقت این بیست تومان و ده تومان نه از برای دادن قروض آنها کفایت و نه برای همیشه آنها کفایت میکند.

مغبر - اظهار این که آقای آقا شیخ جلال کردند با پیشنهاد خودشان مخالفت دارد بجهت این که خود ایشان میفرمایند که مقروض هستند.

در این صورت وقتی يك اشخاصی مقروض باشند معلوم است برای زندگی محتاج هستند و دولت این وجه را برای تأمین مخارج اینها میدهد.

اگر محل دیگری داشته باشند البته بقرض میدهند و اگر محل دیگری نداشته باشند این محل بمقروض بر او قروض آنها نخواهد بود.

آقا شیخ جلال - چون محل میبست آنها است بنده استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد دیگری است از طرف آقای بهار.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ده تومان از شهریه همشیره زاده کسر شده در باره دختران منظور شود.

رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - این پیشنهاداتی که می شود از نقطه نظر رد احسان نسبت به همشیره زاده نیست زیرا همانطور که آقایان گفتند ایشان يك جوانی هستند بی پدر و مادر و بیتم و در حضانت مرحوم مساوات بوده اند و این پیشنهادات هم از نقطه نظر کمی پیشنهاد دولت است.

و بالاخره مراعات ورته مرحوم مساوات خاصه صبا یا آن مرحوم.

لهذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که لا اقل مقصود پیشنهاد کنندگان که رعایت مرحوم مساوات است تا اندازه بعمل آمده باشد و به همشیره زاده آن مرحوم هم در ماه يك ده تومانی دستگیری شود و در همین حال ممکن است آقایانی که علاقه مند هستیم بحفظ همشیره زاده مرحوم مساوات و بحفظ ورثه این مرحوم مساوات سعی کنیم که از محل اعتبارات وزارت معارف که راجع باین قبیل مخارج است ماهی ده تومان بایشان کمک شود تا تحصیلش تمام شود.

عمده مطلب این است که بورثه حقیقی مرحوم مساوات کمک بشود و چنانکه گفته شد يك مبلغی قرض دارد و قروض آن مرحوم را البته ورثه آن مرحوم باید بدهند. پسر و صبا یا بش باید بدهند. همشیره زاده هیچوقت در تادیه قروض دخالت نخواهد داشت.

بنده کاملاً موافق بودم که بیست تومان همشیره زاده بین صبا یا تقسیم شود ولی چون آنقدر رد شد این است که پیشنهاد کردم لافل حقوق همشیره زاده نصف شود و صبا یا داده شود و بعد هم ماها باید سعی کنیم که از طرف وزارت معارف به همشیره زاده آن مرحوم کمک بشود یعنی ده تومان دیگر هم وزارت معارف از محل

اعتبارات خاصی که دارد ضمیمه کند که هم رعایت همشیره زاده شده باشد و هم رعایت ورثه که بالاخره قروض آن مرحوم بمعهده آنها است.

زیرا همانطور که عرض کردم قروض را باید صبا یا و پسر مرحوم مساوات بدهند و همشیره زاده که در این قسمت مداخله ندارد نباید در اخذ حقوق مساوی باشد.

این يك رائی است که بمقتضای بنده برخلاف عدالت است و اگر آقایان با این پیشنهاد موافقت بفرمایند گمان میکنم بهتر باشد.

رئیس - بنده تصور میکنم باین پیشنهاد نمی شود رأی گرفت برای اینکه در ضمن پیشنهاد آقای شیروانی رد شده.

بهار - اما این پیشنهاد بنده نصف است و با آن پیشنهاد تفاوت دارد.

رئیس - آقای افسر (اجازه)

افسر - بالاخره باید دولت و مجلس در مد نظر داشته باشند که رعایت حال اشخاص بی بضاعت یا از نقطه نظر خدا است و با از نقطه نظر مادی بخدمت مرحوم مساوات است.

چنانچه میگویند مرحوم مساوات در زندگیش از این شخص نگاهداری میکرد و او را با اولادانش مساوی میدانسته است حالا ما هم که این فکر را می کنیم باید کاملاً این مسئله را در نظر بگیریم که اگر از نقطه نظر علاقه مندی به مرحوم مساوات است که کمیسیون تصویب کرده و اگر هم از نقطه نظر رعایت حال اشخاص بی بضاعت است که این شخص هم بی بضاعت است.

اینکه گفته میشود قروض برعهده ورثه آن مرحوم است هیچ چیز نیست. قروض برعهده اموالی است که از شخص باقی میماند نه برعهده ورثه.

رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی این بود که حقوق همشیره زاده آقای مساوات قطع شود و نصف تخصیص داده شود به پسر مرحوم مساوات و نصف بچهار صبیبه. نصف آن میشود ده تومان و این پیشنهاد آقای باو هم اینست که ده تومان از حقوق همشیره زاده تخصیص داده شود بمقوق صبا یا آن مرحوم و بنظر بنده این پیشنهاد در ضمن پیشنهاد اولی رد شده است معذرت اجازة میفرمائید رأی بگیریم؟

بهار - پیشنهاد بنده غیر از آن پیشنهاد است. رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای بهار (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. رأی میگیریم بماده واحده باورقه و ورقه سفید علامت قبول و آبی علامت رد است.

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمد نتیجه بطریق ذیل حاصل شد)

ورقه سفید (۸۱)

اسامی رأی دهندگان: آقایان آشتیانی سلطانی. آقا سید معی الدین. شیروانی. کازرونی. آقا شیخ فرج الله. فرج الله خان. کردستانی. اکبر میرزا اجاق. عظیمی. دارو. هایم. آقا سید احمد بهیانی. میرزا اسمعیل خان وکیل. میرزا محمد تقی بهار. شوشتری. آقا سید ابراهیم ضیاء میرزا صادق خان اکبر. حائری زاده. حاج میرزا علی رضا. حاج آقا رضا رفیع دکتر امیرخان اعلم. عراقی. طباطبائی دیبا. آقا سید یعقوب. طهرانی. محمودی خان اسدی. سهراب زاده. میرزا بهاداد خان. میرزا محمدخان وحید. دیوان بیگی آقا شیخ هادی طاهری. اتابکی. مفتی کاشانی. نجات. میرزا اسمعیل خان اصناف آقا رضا مهدوی. سلیم ایزدی. مرضی قلیخان بیات. بهرامی. صدرانی. محمد تقی خان اسعد. میرزا بهاداد خان ممتاز. حاج میرزا اسدالله خان. هرمزی. معظم یاسائی.

حاج میرزا عبدالوهاب خوئی. حبیب الله خان شادلو. لطف الله خان لیلیوئی. سهراب خان دامغانی. اسکندری. زاهدی. سردار نصرت. دادگر. آقا سید علاء الدین دکتر آقایان. سلیمان میرزا. ناصر دامغانی سلطان ابراهیم خان افغنی. عصر انقلاب. اخگر. حکمت.

افسر. الموتی. میرزا عبدالحسین صدر. آقا میرزا حسینخان بیرنیا. آقا سید کاظم یزدی. حاج شیخ عبدالرحمن. یحیی زنگنه آقا شیخ جلال الدین. آقا میرزا شهاب خطیبی. کی استوان. افشار. آقا سید احمد خان اعتبار. میرزائی. اتحاد.

رئیس - عده حضار (۸۳) ماده واحده با کثرت (۸۱) رأی تصویب شد. چون مقداری از ظهر گذشته و بعضی از آقایان هم تشریف برده اند بنا بر این جلسه آتی همانطور که معین شده است روز یکشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستوراً لایحه قرضهای ملاحی و در ضمن انتخاب کمیسیونها خواهد بود.

(مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی منشی سید محمد تدین منشی م. شهاب علی خطیبی

آبان را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - بنده از تصویر صورت مجلس عرض دارم

رئیس - آقای ملک (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - چون القاب را مجلس لغو کرده است خوبست بجای شیخ الاسلام در صورت مجلس آقا سید اسمعیل نوشته شود

رئیس - نسبت بصورت مجلس دیگر اعتراضی نیست (گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای رضوی (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - چون آقای معارف وزارت مالیه و آقای معاون وزارت داخله اینجانب تشریف داشتند بنده خواستم راجع بسجل احوال تذکر بدهم که در قانون يك مستثنیاتی هست که از فقرا پولی گرفته نشود و این مسئله در همدان اسباب رحمت شده است

خوبست آقایان دفعن کنند به ما موردیشان که از مردمان فقیر که نصف اهالی همدان از این قبیل اشخاص هستند بعد از تعقیب نسبت بآنها سخت گیری نکنند و چیزی از آنها نگیرند تا قانونی که در آن جا مشغول اجرائش هستند زودتر اجرا شود.

معاون وزارت داخله - همان طور که قانون معین کرده است وزارت خانه به ما موردیش دستور داده است که ( و او اینکه مبلغ جزئی است و يك قران چیزی در سایه ایقالت نمایندگان و ایقالت اقتدار و عظمت مجلس شورای ملی حل شده است بنا بر این لازم است حالا با يك تفرات خاطرانی يك قسمت از وظائف مهمی که متوجه مجلس شورای ملی است انجام شود البته آقایان تصدیق میفرمایند که یکی از وظائف مهم مجلس شورای ملی تصویب بوده است مخصوصاً تصویب بودجه ۱۳۰۵. بنده میخواهم تذکر بدهم که بدولت تذکر داده شود بودجه هزار و سیصد و پنج را هر چه زود تر تنظیم کرده بمجلس فرستند.

قسمت دیگر هم که آنار مهمه اش در زندگانی مادی مملکت و سعادت جامعه محل تردید نیست مسئله پروژه و پیشنهاد لایحه راه آهن است (بعضی از نمایندگان صحیح است که)

باصلاحات آستانه مقدسه يك توجهانی بشود.

آقای میرزائی نماینده محترم که سر کشك چهارم هستند در آن موقع در مشهد تشریف داشتند و بنده هم متفرانه و خوشبختانه موفق بودم بصورت این کمیسیون در ضمن عملاً يك قضایائی مکشوف شد که حالا مقتضی نیست پسر آقایان برسانم یعنی خیلی مفصل است يك فقر از رقبات معظمه آستانه مقدسه به لطائف الحیل و درسیه از آستانه منتزل شد و يك اسناد و مدارکی هم در دست هست که به در جلسات آتی به عرض آقایان میرسانم.

فعلاً عرض بنده تذکر است بآقایان و کلاً بمخصوصاً بصاحبشخص والا حضرت پهلوی میخواهم تذکر بدهم که امروز مکلف هستند باینکه تسریع کنند در قضایای اصلاحات آستانه و هر قدر تأخیر بشود يك نگرانی هائی برای مسلمانهای عالم پیدا خواهد شد

مخصوصاً این نکته را عرض میکنم که اغلب از مسلمانهای هندوستان يك تحف و هدایائی میآورند که به آستانه مقدسه تقدیم میکنند و نظر باغتشاش و بی ترتیبی آستانه از تقدیم آنها خودداری میکنند و عودت میدادند و این مسئله يك مسئله بیست که عملاً از وظائف خاص شخص آقای پهلوی است که باید زودتر تسریع کنند و این تکرارها را از همه مرتفع نمایند و بنده هم در آتی آن اسناد را به عرض آقایان میرسانم

رئیس - آقای حریت زاده (اجازه)

حریت زاده - بنده برای این تحصیل اجازه کردم که در یکی دو موضوع توجه مجلس شورای ملی جلب کنم البته آقایان همه میدانند که دوره پنجم مجلس شورای ملی از بدو افتتاح بواسطه يك عللی که ذکر آن ضروری نیست مواج با يك مشکلاتی شده است ولی این مشکلات در سایه ایقالت نمایندگان و ایقالت اقتدار و عظمت مجلس شورای ملی حل شده است بنا بر این لازم است حالا با يك تفرات خاطرانی يك قسمت از وظائف مهمی که متوجه مجلس شورای ملی است انجام شود البته آقایان تصدیق میفرمایند که یکی از وظائف مهم مجلس شورای ملی تصویب بوده است مخصوصاً تصویب بودجه ۱۳۰۵. بنده میخواهم تذکر بدهم که بدولت تذکر داده شود بودجه هزار و سیصد و پنج را هر چه زود تر تنظیم کرده بمجلس فرستند.

قسمت دیگر هم که آنار مهمه اش در زندگانی مادی مملکت و سعادت جامعه محل تردید نیست مسئله پروژه و پیشنهاد لایحه راه آهن است (بعضی از نمایندگان صحیح است که)

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

روز یکشنبه هفدهم آبان ۱۳۰۴ مطابق بیست و یکم شهریور الثانی یک هزار و سیصد و چهل و چهار ۱۳۴۴

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید (صورت مجلس پنجشنبه چهار دم

